میراث علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران

مرتضی رسولی‌پور

چکیده:

دربارهٔ زندگی و خدمات فرهنگی، آموزشی و هنری میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) و جایگاه او در تاریخ فرهنگ و هنر نوین ایران تاکنون نه‌تنها کتاب مستقلی که بر اسناد و مدارک قابلِ‌اعتماد مبتنی باشد، تحریر نشده بلکه بیشتر مقالات و مطالبی که در مورد او به طبع رسیده نیز حاوی پاره‌ای ایرادات، کاستی‌ها و اندکی غرض‌آلود بوده و شبحی ناقص و غیرمستند بر جایگاه هنری او انداخته که تفصیل آن خود کتابی جداگانه است. در این مقاله ضمن معرفی مزین‌الدوله و خاندانش و نیز بررسی جایگاه او در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران (نقاشی، موسیقی، تئاتر) و تعلیم زبان فرانسه، می‌کوشیم برخی ایرادات را توضیح دهیم.

کلیدواژه‌ها

مزین‌الدوله، نقاشی، تئاتر، موسیقی، آموزش زبان، قاجار، اسناد.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۳؛ صص: ۶۰-۱۰۰

میراث علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران

مرتضی رسولی‌پور*

مقدمه:

قدیمی‌ترین فرد از خاندان مزینی (مزین) که سند رسمی از او در دسترس باشد[1]، میرزا محمدحسین‌خان کاشانی از ملاکان منطقهٔ کاشان و نطنز است. وی در اواخر دورهٔ زندیه تقریباً در ۱۲۰۸ق.، مطابق ۱۷۹۳م. زاده شد و در ۷۴ سالگی، در ۱۲۸۴ق./ ۱۸۶۷م. از جهان فرو بست. میرزا محمدحسین‌خان با آنکه استطاعت مالی و سواد کافی داشت، برخلاف رسم معمول و نیز رویه‌ای که بعدها فرزندان و نوادگان او پیش گرفتند به مشاغل دولتی وارد نشد[2].

میرزا محمدحسین در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳/ آوریل ۱۸۴۷ در نطنز صاحب فرزندی شد که او را علی‌اکبر نام نهاد[3]. مطابق یادداشت‌های رسمی امیرنظام گروسی (سفیر ایران در فرانسه)، علی‌اکبر از وابستگان فرخ‌خان امین‌الدوله کاشانی قلمداد شده است (روزنامه دولت علّیه ایران، ۱۵ ذی‌حجه ۱۲۸۱، ص۷). وی از کودکی در فراگیری دروس و به‌ویژه نقاشی استعداد خوبی از خود بروز داد، ازاین‌رو زمانی‌که فرخ‌خان امین‌الدوله[4] در ۱۲۷۲ق./ ۱۸۵۷م. از سوی ناصرالدین‌شاه به‌منظور مذاکره و رفع مسئلهٔ هرات به‌عنوان سفیرِ فوق‌العاده عازم پاریس شد، به‌دلیل نزدیکی به محمدحسین‌خان که علاقهٔ مفرطی به ادامهٔ تحصیل فرزندِ خود داشت، علی‌اکبر را به‌طور غیررسمی همراه خود به پاریس برد. علی‌اکبر به‌مدت یک‌سال در مدرسه‌ای در پاریس به آموزش نقاشی و زبان اشتغال داشت تا اینکه در ۱۲۷۵ق./ ۱۸۵۹م. بنا به پیشنهاد

* پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم سیاسی، مسئول واحد تاریخ شفاهی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛
rasoulipour1962@gmail.com

فرخ‌خان، ۴۲ محصل از سوی دولت ایران برای تحصیل عازم اروپا شدند و علی‌اکبر نیز جزو این گروه دوباره راهی فرانسه شد[۵].

گروه محصلان اعزامی بین پنج تا نه سال در فرانسه اقامت گزیدند و بنا به گفتهٔ عیسی صدیق‌اعلم «قسمت عمدهٔ نهضت فکری ایرانیان و پیشرفت‌هایی که بعدها در فرهنگ و علوم جدید حاصل شد به‌واسطهٔ مقدماتی بود که این افراد آماده کردند»[۶]. با این‌وصف تا این زمان هنوز در آثار به‌جا مانده از آن‌دوره و کارهای بعدی در مورد اقدامات این افراد و تأثیری که در فکر و رفتار جامعهٔ ایران از خود باقی گذاشته‌اند، تحقیق شایسته و جامعی انجام نگرفته است.

به هر روی، محصلان اعزامی در فرانسه به ایران‌شناس معروف الکساندر خودزکو[۷] سپرده شدند که از میان آنان چند دانشجو بیش از دیگران معروف شدند و میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی یکی از آن‌ها بود. تعدادی از محصلان که نسبت به بقیه شهرت بیشتری یافتند به شرح زیر عبارت بودند از:

۱- میرزا محمودخان محمودی ملقب به مشاورالملک که در رشتهٔ نجوم به تحصیل پرداخت و مدتی در رصدخانهٔ پاریس فعالیت کرد. معروف است ستاره‌ای هم کشف نمود که به‌نام «محمودی» ثبت شده است. او پس از مراجعت به ایران، به‌جای تأسیس رصدخانه و تدریس نجوم، در زمان واقعهٔ رژی، ژنرال کنسول ایران در بغداد بود. مدتی نیز مدیریت ادارهٔ پست و تلگراف را به‌عهده گرفت[۸].

۲- میرزا مهدی‌خان شقاقی (ممتحن‌الدوله) که در رشتهٔ معماری تحصیل کرد. از جمله آثار معماری مشهور وی می‌توان به ساختمان‌های مسجد سپهسالار (شهید مطهری کنونی) و قصر فیروزه اشاره کرد که طراحی و نقشه‌کشی آن‌ها را انجام داده است. او بعدها در شمار معاونان وزارت‌خارجه قرار گرفت و کتابی به فارسی به‌نام «مآثر مهدیه» دربارهٔ قواعد دیپلماسی و حقوق بین‌الملل تألیف کرد.

۳- میرزا رضاخان گرانمایه (مؤیدالسلطنه) که بعدها در ۱۳۰۳ق. به‌عنوان نخستین سفیر ایران در آلمان تعیین شد و تا ۱۳۱۷ق. در این‌سمت باقی بود تا اینکه در ۱۳۲۶ق. در دولت یک‌ماههٔ حسین‌قلی‌خان مافی (نظام‌السلطنه) به وزارت عدلیه رسید.

۴- میرزا نظام‌الدین غفاری (مهندس‌الممالک) پسرعموی فرخ‌خان امین‌الدوله که بعدها از ریاضی‌دانان به‌نام دورهٔ ناصری شد و چندین‌بار به وزارت رسید و علاوه‌برآن در بعضی مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه ملتزم رکاب آنان بود.

۵- میرزا زین‌العابدین‌خان غفاری (شریف‌الدوله) که برادر مهندس‌الممالک بود و مدتی بعد از مراجعت به ایران، مترجم مخصوص دربار شد و مدتی هم ریاست ادارهٔ محاکمات وزارت‌خارجه را به‌عهده داشت.

۶- میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) که تمام مدت عمر طولانی خود را در مشاغل درباری، تدریس در دارالفنون و نظارت بر امور فرهنگی کشور گذراند و تحولات چشمگیری در فرهنگ و هنر نوین ایران به‌وجود آورد. وی در مقایسه با سایر معلمان، بیش از همه در دارالفنون تدریس کرد طوری‌که افزون بر ۵۰ سال در این مدرسه به تدریس زبان فرانسه، نقاشی و تئوری موسیقی اشتغال داشت[۹].

مزین‌الدوله و هنر نقاشی

میرزا علی‌اکبرخان چون از کودکی مایهٔ خوبی از ذوق و سلیقه و قریحهٔ هنری داشت، پس از عزیمت به اروپا در مدرسه هنرهای زیبا[۱۰] در پاریس تحصیل کرد و به‌خصوص نقاشی را نزد انگر[۱۱] آخرین نقاش بزرگ و نام‌آور کلاسیک اروپا که فرانسوی بود آموزش دید و با پشتکار فراوان طبع هنری خود را پرورش داد. روزنامه دولت علّیه ایران در یکی از شماره‌های خود با اشاره به این مطلب چنین نوشته است:

> آقا علی‌اکبر کاشی از وابستگان امین‌الدوله و متعلمین دولتی است؛ جوان با استعداد و قابلی است. بعد از سه‌سال تحصیل مقدمات در مدرسه دیپ به حکم وزیر مختار، او را به پاریس آورده به صنعت نقاشی گذاشتند و حال دو سال است با کمال سعی و مراقبت مشغول این صنعت است و ترقیات زیاد کرده است. معلم او زیاده از حد از او راضی و خشنود است (روزنامه دولت علّیه ایران، ۱۵ ذیحجه ۱۲۸۱ق.).

پس از آن نیز در دانشگاه جنگ فرانسه معروف به سن‌سیر[۱۲] نزدیک به یک‌سال تعلیمات نظامی فرا گرفت و پس از نُه سال اقامت در فرانسه به ایران مراجعت کرد[۱۳].

علی‌اکبرخان در بدو ورود به‌عنوان پیشخدمت مخصوص ناصرالدین‌شاه مشغول خدمت شد و هم‌زمان معلمی زبان فرانسه و نقاشی شاه را به‌عهده گرفت و لقب خانی دریافت کرد. در رمضان ۱۲۸۸ق. با فرمان و دستخط ناصرالدین‌شاه به نقاشباشی ملقب شد (بامداد، ۱۳۴۷، ص۴۲۶؛ روزنامه ایران، ۱۷رمضان ۱۲۸۸ق.)[۱۴]. قبل از او صنیع‌الملک غفاری (عموی کمال‌الملک) این عنوان و لقب را داشت[۱۵].

مدتی بعد در کنار مسئولیت دربار، در دارالفنون به تدریس رشته‌های نقاشی، زبان فرانسه و موسیقی نظامی مشغول شد و بیش از هر استاد دیگری در آن مدرسه کار کرد. پیش از او یک فرانسوی به‌نام کنستان[۱۶] که در زمینهٔ نقاشی روی ظروف چینی تخصص داشت تا سال ۱۲۸۸ق. عهده‌دار تعلیم نقاشی در دارالفنون بود. بلافاصله بعد از او علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) تا ۱۳۴۲ق. به‌مدت ۵۴ سال در این مدرسه نقاشی، زبان فرانسه و موسیقی تعلیم

داد (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۸، ص۲۸۳).

وی نخستین ایرانی بود که در مورد نقاشی آکادمیک و پرسپکتیو[۱۷] که علم تسطیح و ترسیم دورنماست کتاب نوشت و با چاپ سنگی آن را در اختیار شاگردان قرار داد[۱۸]. البته پایه‌ریزی اصول پرسپکتیو را اکثراً به اشتباه به کمال‌الملک نسبت می‌دهند در حالی‌که استادِ او (مزین‌الدوله) دو دهه پیش از او به تدریس این علم اقدام کرده بود. حتی صنیع‌الملک که اولین مدرسه نقاشی را دائر کرد، غالباً اصول پرسپکتیو را رعایت نمی‌کرد و کلاً شاگردان شاخصی هم به جامعهٔ نقاشان تحویل نداد[۱۹]. در حقیقت میرزا علی‌اکبرخان، بانی نقاشیِ آکادمیک در ایران بود و به‌مدت نیم‌قرن نقاشی اروپایی را با اصول علمی از آناتومی تا نقاشی مناظر و مرایا تدریس کرد و در ایران رواج داد و پس از او در این رشته، آن‌چنانکه می‌بایست تا دوران پهلوی دوم کارآموزی نوینی صورت نگرفت.

حبیب‌الله ابهری در این مورد نوشته است: «کمال‌الملک را برای فراگیری هنر نقاشی به تهران نزد مزین‌الدوله فرستادند که تحصیلات نقاشی خود را تکمیل کند. آقای مزین‌الدوله در آن زمان اولین نقاش ایرانی بود و شاهکارهای نفیسی از خود به یادگار گذارده‌اند ... مزین‌الدوله اغلب تعریف ذوق و استعداد شاگرد خود، یعنی کمال‌الملک را نزد شاه می‌کرد و شاه او را اغلب تشویق می‌نموده است» (ابهری، ۱۳۴۴، ص۱۰).

دکتر اعلم‌الدولهٔ ثقفی نیز در ذکر نام مردان بزرگ قرن ۱۳ خورشیدی از کمال‌الملک و مزین‌الدوله یاد کرده و می‌نویسد: «کمال‌الملک مدرسهٔ نقاشی جدید را که مزین‌الدوله در جادهٔ تکوین آن پیشقدم و دکتر ابراهیم‌خان حکیم‌الملک مؤسس آن است ترقی داد» (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ۱۳۷۴، ص۶۳۳۶).

تا پیش از مزین‌الدوله فضای تمثیلی در آثار نقاشان ایرانی کاملاً محسوس بود و تصویرگران بیشتر به آرایش فضای تجسمی قدیم پای‌بند بوده و به طبیعت‌گرایی و بازنمایی طبیعت به‌گونه‌ای که در پیرامون خود به‌طور روزمره می‌دیدند، التفاتی نداشتند. آیدین آغداشلو در این مورد می‌نویسد:

> نمی‌توان تنها کمال‌الملک را به آغاز تقلیدگری کامل نقاشی اروپایی متهم کرد، چرا که پیش از او، صنیع‌الملک و مزین‌الدوله بودند ... نقاشی واقع‌گرای ایران کمی پیش از زمان کمال‌الملک شروع شد ... واقع‌گرایی آرام‌آرام تبدیل به بخشی از هدف می‌شود. از اواسط دوران ناصرالدین‌شاه، از زمان استادِ کمال‌الملک، [یعنی] مزین‌الدوله و نقاشان معاصر اوست که تبدیل به هدف اصلی می‌شود. یعنی تقلید عکاسخانه جهان عینی (آغداشلو، ۱۳۹۴، ص۳۷، ۶۳ و ۴۶۳).

به‌نوشتهٔ محمدعلی دولتشاهی نقاش و هنرمند معاصر: «مزین‌الدوله بود که برای اولین‌بار

تحولی در نقاشی و نگارگری ایران به‌وجود آورد و با ارائه سبک‌های گوناگون و متداول هنر اروپایی، بنیانگذار مکتبی شد. چون خود پیرو مکتب رئالیسم بود، برای اولین بار آناتومی و پرسپکتیو را در ایران آموزش داد و همچنین تئاتر را پایه‌گذاری نمود»[۲۰].

دکتر عبدالمجید حسینی‌راد نیز در مقالهٔ خود ضمن پرداختن به ریشهٔ تأثیرات هنر غرب بر نقاشی معاصر ایران می‌نویسد: «در واقع شکستن اصول و سنت هنر ایرانی و فضای تمثیلی نقاشی با آثار «مزین‌الدوله» استاد مدرسهٔ دارالفنون آغاز می‌شود که در مدرسهٔ هنرهای زیبا یا بوزار (Beaux - arts) پاریس نقاشی آموخته بود و کمال‌الملک نیز در نوجوانی شاگرد او در دارالفنون بود» (حسینی‌راد، ۱۳۷۸).

و بالاخره دکتر آیت‌اللهی در مورد جایگاه هنری و ارزش‌های تصویری نقاشی‌های مزین‌الدوله در دورهٔ قاجار چنین نوشته است:

> آثاری با ویژگی‌های تازه و ابتکاری نیز در دوران قاجار به‌وجود آمدند که هرچند تعداد آن‌ها کم است ولی ارزش‌های تصویری والایی دارند ... از میان آثار نقاشی‌شدهٔ این زمان واقعی‌گراتر و پیشرفته‌تر از همه، که می‌تواند با کارهای غربی همطرازی کند، آثار علی‌اکبر مزین‌الدوله است که به احتمال زیاد مطالعهٔ زیادی در نقاشی‌های غربی داشته است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص۳۰۷).

شاگردان معروف مزین‌الدوله در نقاشی

از میان معروف‌ترین شاگردان مزین‌الدوله باید از ابوتراب نقاش مخصوص (برادرِ بزرگ کمال‌الملک)، مصورالملک، مصورالممالک، اسماعیل جلایر و محمد غفاری (کمال‌الملک) نام برد که شخص اخیر در زمان تحصیل در دارالفنون رسماً متجاوز از پنج‌سال جزو شاگردان مزین‌الدوله در این مدرسه بوده است.

مهدی بامداد ضمن آنکه از علی‌اکبرخان مزین‌الدوله به‌عنوان استادِ نقاشی دارالفنون نام برده، معتقد است مزین‌الدوله اول بار کمال‌الملک را به ناصرالدین‌شاه معرفی کرد (بامداد، ۱۳۷۴، ص۲۶۴). دکتر محمدحسین ادیب هم با عبارت مشابهی تصریح کرده که اول بار مزین‌الدوله بود که کمال‌الملک را به دربار ناصرالدین‌شاه وارد کرد[۲۱]. بامداد در جای دیگر از کتاب خود ضمن معرفی وی نوشته است: «در ۱۲۷۵ قمری برای تکمیل تحصیلات به فرانسه فرستاده شد و پس از بازگشت، سال‌های متمادی استاد نقاشی و معلم زبان فرانسه در دارالفنون بود و ضمناً در آغاز کار، استاد میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک نیز بوده است و می‌توان او و کمال‌الملک را در یک حدودی به لوپروژن (Le Perugin) و رافائیل (Raphael) نقاشان ایتالیایی تشبیه نمود ...» (بامداد، ۱۳۷۴، ص۴۲۶) البته قبول چنین مقایسه‌ای جای درنگ است زیرا مزین‌الدوله پیرو انگر و رافائیل بود درحالی‌که کمال‌الملک از مکتب نقاشی رامبراند تقلید

می‌کرده و بر اساس یادداشت‌های به‌جامانده از او به وی ارادت می‌ورزیده است.

افزون بر این، کمال‌الملک در شرح احوال و زندگینامهٔ خود از کسانی‌که حق تعلیم بر او داشته‌اند، چنین یاد کرده است: «اشخاصی که به من حق تعلیم دارند اولاً خود فامیل من، در دارالفنون میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله که به فرنگستان رفته بود و معلم من حساب می‌شود ... باری جز این شخص، آن‌هم صورتاً احدی به من حق تعلیم ندارد ... خودم به زحمت هرچه می‌دانم آموختم» (یادنامه کمال‌الملک، ۱۳۷۸، ص۲۵)[۲۲].

مزین‌الدوله و هنر تئاتر

علاوه بر نقاشی، مزین‌الدوله نخستین فردی بود که هنر تئاتر را در ایران پایه‌ریزی کرد به این ترتیب که به دستور مستقیم ناصرالدین‌شاه اولین سالن مدرن برای نمایش تئاتر را در ۱۳۰۲ق. در ضلع شمالی مدرسه دارالفنون ساخت و اولین پی.اس.های آن را نیز خود از زبان فرانسه به فارسی برگرداند و روی صحنه آورد.

چنین اقدامی از نظر نویسندگان دایرةالمعارف مصاحب پنهان نمانده به نحوی‌که در این اثر، ذیل مدخل مزین‌الدوله چنین آمده: «مزین‌الدوله معروف به نقاشباشی مؤسس واقعی تئاتر جدید در ایران، به‌دستور ناصرالدین‌شاه تالاری برای نمایش در محل فعلی دارالفنون به سبک تماشاخانه‌های اروپا بنا کرد و نمایشنامه میزانتروپ[۲۳] از آثار مولیر را در آنجا به معرض نمایش گذاشت» (مصاحب، ۱۳۸۱، ص۲۷۵۷).

حبیب‌الله نصیرفر نیز در این مورد نوشته است:

> اولین بنای تئاتر عمومی و رسمی در زمان حکومت ناصری و به‌همت مزین‌الدوله نقاشباشی که خدمات ذی‌قیمتی هم در قسمت موسیقی کرد برای حدود ۳۰۰ هنرجو در دارالفنون بنا گردید ... نقاشباشی همان است که باید در تاریخ نام او را به‌عنوان بانی تئاتر ایران ثبت کرد زیرا وی به‌موجب حکمی‌که در تاریخ ۱۳۰۷ هجری قمری از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد نخستین کارگردان و عامل امور تئاتری ایران گردید. در این حکم نوشته شده بود: «نیرالملک، در باب انتظام و ترتیب و آراستگی تئاتر مدرسه دیشب شرحی به شما شفاهاً فرمودیم و باید در تحت یک ترتیب و نظم مخصوص باشد و اختیار انتظام کلیه [امور] برعهده شخص شماست و شما هم باید میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی را مدیرکل تئاتر از جانب دولت قرار بدهید که در کمال خوبی همان‌طورکه تا حال آنجا را از هرجهت منظم داشته، مرتب نماید و تمام کار تئاتر به اختیار صلاحدید او باشد. در باب نقاشی و تعمیرات تئاتر هم همان‌طورکه دستورالعمل دادیم باید معمول گردد. شهر رجب‌المرجب ۱۳۰۷ امضاء (نصیرفر، ۱۳۷۴، ص۲۷۲ و ۲۷۷).

گفتنی است مزین‌الدوله که در مدت زمان اقامت خود در اروپا با پشتکار فراوان کوشیده بود ضمن تحصیل هر آنچه لازمهٔ زمان خود بود، در حد امکان سرچشمه‌های فکری و علمی تمدن جدید را فرا گیرد تا پس از مراجعت به وطن، دولتمردان و مردم جامعهٔ خود را از دانسته‌ها و دستاوردهای سفر خود بهره‌مند سازد، به‌درستی دریافته بود که با بهره‌گیری صحیح از هنر تئاتر و به‌ویژه علاقهٔ زیادی که شخص ناصرالدین‌شاه به تماشای تئاتر و رواج تماشاخانه داشت، می‌توان اغلب مسائل، مشکلات و گرفتاری‌های مردم و نیز کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های حکومت را در نمایش‌های مختلف تئاتر گنجاند و ضمن اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم، شاه و درباریان و صاحب‌منصبان حکومتی را متوجه نارسایی‌ها کرد و از آن‌ها انتقاد کرد. او به‌خوبی دریافته بود که با بهره‌گیری درست از هنر نمایش و نوشتن نمایشنامه‌های انتقادی مناسب می‌توان مسئولان حکومتی را واداشت تا از ورود بی‌رویهٔ کالاها و امتعهٔ فرنگی جلوگیری کرده و ضمناً مردم را به تهیه و خرید محصولات داخلی تشویق کرد.

محمدحسین ادیب در قسمتی از خاطرات خود با اشاره به این مطلب نوشته است: در یکی از شب‌ها که ناصرالدین‌شاه برای دیدن تئاتر به تماشاخانه آمده بود مشاهده کرد که مزین‌الدوله در قالب نمایش خود تلویحاً از بی‌توجهی نسبت به تولید پارچه‌های داخلی و نیز نظارت‌نکردن بر واردات بی‌رویهٔ پارچه‌های گران‌قیمت خارجی، دولت و درباریان را از زبان بازیگران نمایش به باد انتقاد گرفته است. نمایش این برنامه، برخلاف انتظار موردِتوجه شاه قرار گرفت و همانجا توسط جعفرقلی‌خان هدایت (نیرالملک اول) که عهده‌دار وزارت فرهنگ بود، مزین‌الدوله را خواست و به او گفت: «بگو نقاشباشی، بگو تا دیگران هم بفهمند»[۲۴]. به‌هرحال ضمن آنکه دارالفنون نخستین مرکز نوپای تئاتر ایران بود باید اذعان کرد مزین‌الدوله بیشترین سهم را در تأسیس آن داشت؛ اگر چه فعالیت این مرکز نوپا چندی بعد در اثر انتقادات و کارشکنی‌ها تعطیل شد.

مزین‌الدوله و هنر موسیقی

مزین‌الدوله علاوه‌براینکه معلم نقاشی دارالفنون و معلم نقاشی و زبان فرانسهٔ ناصرالدین شاه بود با موسیقی غربی نیز آشنایی داشت و از این نظر در آموزش نوین موسیقی نیز پیشگام بود.

گفتنی است موسیقی غربی ابتدا در قالب موسیقی نظامی و از طرف دستگاه‌های وابسته به دولت و ارتش به ایران راه یافت و به‌تدریج از موسیقی نظامی فاصله گرفت و جریان مستقل خود را ادامه داد. فکر تأسیس موزیک نظام سال‌ها پیش از ناصرالدین‌شاه به فکر عباس‌میرزا ولیعهد رسیده بود اما در آن زمان کاری از پیش نرفت[۲۵] تا این‌که در ۱۳۱۳ق. ناصرالدین‌شاه به وزیرمختار وقت ایران در پاریس دستور داد که از دولت فرانسه بخواهد یک استاد موزیک

نظام به ایران روانه کند.

چندی بعد دولت فرانسه موسیقی‌دانی به‌نام موسیو لومر[۲۶] را روانهٔ ایران کرد و او در ۱۲۸۶ق. با عنوان «رئیس موزیک شاهنشاه ایران» به استخدام دولت ایران درآمد. تا قبل از این‌زمان، استفاده از نُت (خط بین‌المللی موسیقی) در آموزش موسیقی ایرانی متداول نبود و برای نخستین‌بار لومر، معلم موسیقی دارالفنون و موزیکانچی‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه با همکاری مزین‌الدوله، تدریس به این شیوه را شروع کردند. روح‌الله خالقی در این مورد چنین نوشته است:

> چون معلم اروپایی [لومر] زبان فارسی نمی‌دانست میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی (مزین‌الدوله) که معلم فرانسه و نقاشی دارالفنون هم بود، به‌سمت مترجمی لومر منصوب گردید و درس موسیقی نظری او را که برای شاگردان می‌گفت به‌طور سؤال و جواب به فارسی ترجمه کرد و اولین کتاب تئوری موسیقی را به سبک جدید با جمله‌های فرانسه و ترجمه فارسی آن‌ها نوشت و در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسانیده در دسترس شاگردان مدرسه قرار داد (۱۲۶۱ مطابق ۱۳۰۱ق.) (خالقی، ۱۳۵۳، ص۲۱۲ و ۲۱۳).

به‌این‌ترتیب نخستین کتاب تئوری موسیقی همراه با آموزش نُت نوشته شد که سبک جدیدی در ایران محسوب می‌شد. ضمناً سه کتاب در مورد موسیقی نظامی با همکاری سالار معزز از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که هنوز به چاپ نرسیده‌اند (ملاح، ۱۳۴۵، ص۱۱۴ و ۱۱۵).

معروف‌ترین شاگرد مزین‌الدوله در موسیقی، همین غلامرضا سالارمعزز مین‌باشیان بود که بعدها در سال ۱۳۳۹ق. هنگامی‌که سازمانی به‌نام اداره‌کل موزیک در ارتش ایجاد شد او به ریاست موسیقی ارتش در آمد و «مدرسه عالی موسیقی» را بنیان نهاد (سرمد، ۱۳۷۲، ص۱۱۹۸)[۲۷].

مزین‌الدوله و آموزش زبان فرانسه

و بالاخره در آموزش و تدریس زبان فرانسه نیز مزین‌الدوله پیشرو بود. وی اولین ایرانی بود که به‌طور جامع به تدریس این زبان همت گماشت و نخستین کتاب‌های آموزش زبان فرانسه را تألیف کرد و با چاپ سنگی انتشار داد. از او سه کتاب در آموزش این زبان (مکالمه، لغت، دستور زبان) به یادگار مانده است. عیسی صدیق‌اعلم در این مورد نوشته است: «مزین‌الدوله قریب پنجاه سال معلم [زبان] فرانسه و نقاشی و موسیقی دارالفنون بود و نخستین تماشاخانهٔ جدید را جنب دارالفنون ساخت و موسیقی را با نت تدریس کرد و کتابی هم در فرهنگ فرانسه به فارسی تألیف و منتشر نمود و چند پردهٔ نقاشی او در کاخ گلستان موجود است» (صدیق،

۱۳۴۳، ص۱۱۹۸). وی همچنین در مورد تألیفات مزین‌الدوله می‌نویسد: «کتب مذکور در اشاعهٔ فرهنگ جدید اروپا در ایران تأثیر فراوان داشت» (تاریخ فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲). علاوه‌براین به توصیهٔ ناصرالدین‌شاه نخستین دیکسیونر (فرهنگ) جامع فرانسه به فارسی مشتمل‌بر۵۰ هزار لغت را تحریر کرد و برای تهیه و تکمیل آن زحمات زیادی متحمل شد. تدوین این فرهنگ لغت که به‌نام دیامان[۲۸] و سپس مزین‌اللغه ثبت‌شده در دوران سلطنت احمدشاه به پایان رسید (چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ۱۳۵۷، ص۱۵۲؛ ادیب، ۱۳۵۴، ص۶۰).

دکتر محمدحسین ادیب در خاطرات خود از دارالفنون می‌نویسد:

> یک دیکسیونر به اسم دیامان به فرانسه بود که مزین‌الدوله این را تمام از فرانسه به فارسی ترجمه کرده بودند و بعد از آنکه تمام شد هفته‌ای دو شب در منزل ایشان یک جلسه‌ای بود: پدرم، مرحوم محمدحسن‌خان ادیب‌الدوله، خدا رحمت کند میرزا غلامحسین‌خان رهنما، میرزا عبدالعظیم‌خان قریب، دکتر حسین گل‌گلاب ... سرشب چند ساعتی به این لغات مراجعه می‌کردیم. ایشان (مزین‌الدوله) ترجمه کرده بودند مثلاً نوعی گل، نوعی ماهی، هرکدام از این‌ها را اصطلاحات ریاضی‌اش یا نظامی‌اش یا ادبی‌اش یا طبیعی‌اش که ما می‌دانستیم به‌جای آن لغات می‌گذاشتیم که تصحیح بشود ... (ادیب، ۱۳۵۴، ص۶۰).

با در نظرگرفتن این اقدامات بود که بسیاری از صاحب‌نظران از مزین‌الدوله به‌عنوان نخستین دبیر زبان فرانسه در ایران یاد کرده‌اند (چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ۱۳۵۷، ص۱۵۲؛ آذری، ۱۳۴۲). به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت پیشرفت واقعی زبان و فرهنگ فرانسوی در ایران به میزان زیادی حاصل تلاش‌های مزین‌الدوله بود که متجاوز از ۵۰ سال به تدریس آن زبان (از شاه گرفته تا افراد و محصلان عادی) اشتغال داشت تا اینکه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و تقریباً از شروع نیمه دوم سلطنت محمدرضا پهلوی، رفته‌رفته زبان و فرهنگ انگلیسی جایگزین زبان و فرهنگ فرانسه شد.

جایگاه مزین‌الدوله در دربار قاجاریه

وی به موازات تدریس، تحقیق و تألیف در تمام مدت عمر طولانی خود در ملازمت پادشاهان و شاهزادگان درجهٔ اول قاجاری بود و نزد ایشان احترام و مقام خاصی داشت. علاوه‌بر سمت معلمی ناصرالدین‌شاه، نقاشباشی دربار او بود و زمانی‌که مظفرالدین‌شاه به سلطنت رسید، تعلیم و سرپرستی پسرِ او، ملک منصورمیرزا (شعاع‌السلطنه) را به‌عهده داشت و در شوال ۱۳۱۵ق. لقب مزین‌الدوله به وی اعطا شد.

غلامحسین افضل‌الملک، محقق و مورخ معروف دوران قاجار در ثبت رویدادهای مهم سال ۱۳۱۵ق. از مزین‌الدوله چنین یاد کرده است:

> میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی، سرتیپ اول معلم سابق در مدرسه دارالفنون دولتی که از دانشمندان این عصر و در فنون و کمالات خارجه به‌خصوص زبان فرانسه و صنعت نقاشی اول استاد است، این اوقات حسب‌المقرر به خدمت نواب مستطاب اشرف والا، شاهنشاه‌زادهٔ معظم شعاع‌السلطنه مشغول هستند و در آن اداره از اکابر قوم و صنادید رجال می‌باشند مستوجب بذل امتیازی آمده، به لقب مزین‌الدوله ملقب و مباهی گشتند. ایشان از جمله شاگردانی هستند که از ابتدای دولت ناصری حسب‌الامر با جناب حسنعلی‌خان گروسی امیرنظام به اروپا رفته، تحصیل کمالات کردند و مخارج این‌گونه شاگردان را که ۴۰ نفر بودند، دولت ایران متحمل بود تا هریک در فنی از فنون و علوم استاد و معلم شده؛ از وزرای علوم و رؤسای مدرسه‌های خارجه، دیپلم و اجازه‌نامه و تصدیق گرفتند. هریک بعد از تحصیل مآرب و تکمیل آداب به ایران آمده، صاحب رتبه‌های عالیه و مواجب شدند. آقا میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله در صنعت نقاشی و دانستن زبان فرانسه، سمت معلمی یافتند. برحسب امر دولت، تدریس شاگردان مدرسهٔ دولتی ایران به ایشان واگذار شد و الحق شاگردان ماهر از تعلیم این دانشمند از مدرسه دارالفنون دولتی بیرون آمدند. در این اوقات به ملازمت و منادمت حضرت مستطاب والا، شاهنشاه‌زادهٔ معظم شعاع‌السلطنه مشغول بوده الحق شخصی محترم و وجودی مغتنم است (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص۱۹۸).

به‌دلیل مراقبت و تعلیمات مزین‌الدوله، ملک منصورمیرزا به شاهزاده‌ای با سواد و با مبادی تمدن جدید آشنا شد و به‌تدریج در میان درباریان و رجال صاحب‌نام وقت، موقعیت او چنان تقویت شد که در برخی محافل اغلب از ولیعهدی او صحبت به میان می‌آمد. بعید نمی‌نماید که مزین‌الدوله نیز شعاع‌السلطنه را لایق‌تر و مناسب‌تر از محمدعلی‌میرزا می‌دانست، گرچه او بنابر تجارب گذشته، از هرگونه فعالیت سیاسی به نفع شعاع‌السلطنه خودداری کرد چون آگاه بود محمدعلی‌میرزا ولیعهدی قانونی است. با این‌وصف زمزمهٔ ولایتعهدی ملک منصورمیرزا چنان بالا گرفت که طرفداران ولیعهد و درباریان نزدیکِ او ضمن دفاع از محمدعلی‌میرزا، حتی دولت فرانسه را به این دلیل که ترجیح می‌دهد شعاع‌السلطنه در ایران به سلطنت برسد، موردِانتقاد قرار دادند. بدبینی این گروه نسبت به مقام‌های دولت فرانسه جز این دلیل نبود که شعاع‌السلطنه تحت‌نظر مزین‌الدوله با زبان و فرهنگ فرانسه آشنا شده بود و حتی دولت فرانسه این شاهزادهٔ جوان را به دریافت نشان آکادمیک مفتخر کرده بود. افزون‌بر این در سفر شعاع‌السلطنه به اروپا در ۱۸۹۹م. که مزین‌الدوله، میرزا عبدالرحیم قائم‌مقام تبریزی (وزیر

وظایف و اوقاف) و خلیل‌خان ثقفی اعلم‌الدوله (پزشک شعاع‌السلطنه) او را همراهی کرده بودند[۲۹]، دولت فرانسه برای این گروه احترام خاصی قائل شد و همین موضوع، سوءظن ولیعهد و دربار را موجب گشت. البته دولت فرانسه، شایعات مبنی‌بر ولیعهدی شعاع‌السلطنه را به‌کلی رد کرد و این مسئله چندی بعد برطرف شد.

اقدامات مزین‌الدوله در شیراز

در ۱۳۱۹ق. هنگامی‌که ملک منصورمیرزا شعاع‌السلطنه (پسر مظفرالدین‌شاه) برای نخستین‌بار در سنین جوانی حاکم فارس شد، مزین‌الدوله ضمن دریافت عنوان «جناب» از مظفرالدین‌شاه به نیابت شعاع‌السلطنه به شیراز رفت ولی هنوز یک‌سال نگذشته بود که مزین‌الدوله از سمت خود کناره‌گیری کرد و به تهران مراجعت نمود و مجدداً به تدریس در دارالفنون پرداخت. دلیل اصلی کناره‌گیری او، اعمال نابه‌جای اطرافیانِ شعاع‌السلطنه بود که متأسفانه با نفوذ مخربی‌که روی شعاع‌السلطنه پیدا کرده بودند، باعث نارضایتی مردم در آن منطقه شدند و سرانجام شعاع‌السلطنه مجبور به ترک شیراز شد. مزین‌الدوله پس از مراجعت به تهران، علاوه‌بر تدریس، سرپرستی حشمت‌الدوله (فرزند شعاع‌السلطنه) و دیگر شاهزادگان مقرب دربار را پذیرفت.

عبدالله مستوفی در توصیف ضیافتی که امپراتور روسیه در سال ۱۹۰۵م. برای مظفرالدین‌شاه ترتیب داده بود، تحت تأثیر ادب و نزاکت شاهزادگان جوانی که در این ضیافت شرکت داشتند نوشته است: «این‌ها همه از اثر زحماتی است که میرزا علی‌اکبر نقاشباشی مزین‌الدوله در تربیت این شاهزاده‌ها کشیده و آن‌ها را طوری حاضر کرده است که به زبان فرانسه از عهدهٔ واگذارکردن یک همچو مجلس باعظمتی به این خوبی برمی‌آیند ...» (مستوفی، ۱۳۷۱، ص۱۴۲).

مزین‌الدوله در دوران اقامت خود در شیراز، اقدامات مفیدی انجام داد. از جمله اقدامات او ساختن مقبره‌ای آهنین به سبک معماری آرنو[۳۰] برای حافظ بود که تا ۱۳۱۳خ. این مقبره بر جا بود[۳۱]. فرصت شیرازی (فرصت‌الدوله) ادیب و شاعر سرشناس دورهٔ قاجار در مورد احداث این مقبره، ابیات زیر را سرود که در اطراف مقبره حکاکی شد (کریمی، ۱۳۷۷):

به عهد خسرو عادل مظفرالدین‌شاه — به امر زادهٔ آزاده‌اش ملک منصور
خرد پژوه مهندس مزین‌الدوله — بریخت طرح و بداد این اساس را دستور
بُد از هزار و سه صد نوزده فزون کآورد — شعاع‌السلطنه این طرفه بقعه را به ظهور[۳۲]

علاوه بر اقدام فوق به‌دستور مزین‌الدوله اطراف ساختمان کریم‌خان زند را نیز با سنگ

مرمر و اشعار حافظ تزئین کردند تا وضع آبرومندی داشته باشد.

فرصت‌الدوله شیرازی راجع به مزین‌الدوله به جهت خدماتی‌که برای شیراز متحمل شد اشعار دیگری هم سروده که در دیوان وی ثبت شده و ابیات زیر نمونه‌ای از آن‌هاست (فرصت‌شیرازی، ۱۳۳۷، ص۲۸۰):

پورِ شاهنشاهِ کیوان‌فر، مـلک منصـورِ راد — آن به ثروت اردشیر و آن به سطوت شاهپور
بارگاهت چون سپهر است و تو مهر آن سپهر — مـاه آن باشد مزین صاحب اقبال و هـور
آسمـان فضل و دانش اخترِ بـرجِ کـمال — آفتاب چرخ بینش گوهرِ بحرِ شعـور
دولـت شه را اگر آمد مزین نی عـجب — کز شعاع رای او دولت نماید کسبِ نـور
وصفی از خلقش شود مسطور اگر در نامه‌ای — مُشک خیزد تا ابد چون نافه از نقشِ سطور

دوری از فعالیت سیاسی

از نظر مشی فکری و سیاسی، مزین‌الدوله طرفدار مشروطه سلطنتی بود و درعین‌حال با همهٔ نزدیکی‌اش به دربار و دستگاه سلطنت قاجار از واردشدن در امور سیاسی دوری می‌جست و به مشاغل دولتی تن در نمی‌داد. معروف است زمانی‌که از تهران به عضویت اولین دوره مجلس شورای ملی انتخاب شد، چندی قبل از افتتاح مجلس از شرکت در آن خودداری کرد.

به غیر از تدریس در دارالفنون چندسالی ریاست مدرسه علمیه را به عهده گرفت و در دورهٔ پرتلاطم مشروطیت با قاطعیت از بسته‌شدن این مدرسه جلوگیری کرد (سالنامهٔ دبیرستان علمیه، ۱۳۳۴و ۱۳۳۵، ص۹۰). ضمناً او در هیئت معارف ایران عضو بود؛ هیئتی‌که به تعلیم در مدارس و امور فرهنگی کشور نظارت داشت (سالنامهٔ وزارت معارف، ۱۲۹۷ش.، ص۶۹۶).

در ۱۳۲۳ق./ ۱۹۰۵م. که سفر سوم مظفرالدین‌شاه به اروپا پیش آمد، مزین‌الدوله در پاریس به شاه پیوست و سرپرستی شاهزادگان نیز به عهدهٔ او بود (نصیری‌مقدم، ۱۳۹۰). در برخی روزنامه‌های فرانسه از جمله فیگارو و لوتان که راجع به این سفر یا سفر شعاع‌السلطنه به اروپا مطالبی چاپ کرده بودند، از مزین‌الدوله به‌عنوان یکی از دانشمندان بزرگ ایران و از اشخاص نزدیک به دستگاه سلطنت یاد شده است[۳۳].

در دورهٔ موسوم به استبداد صغیر، مزین‌الدوله از تماس مستقیم با محمدعلی‌شاه دوری می‌کرد و کماکان به تدریس و سرپرستی شاهزادگان درجه اول ادامه داد. در همین دوره ریاست مدرسه علمیه که بعد از دارالفنون مهم‌ترین مدرسهٔ ایران بود را نیز به عهده گرفته بود.

تأثیر مزین‌الدوله بر احمدشاه قاجار

پس از خلع محمدعلی‌شاه و به سلطنت رسیدن احمدشاه، رجال طراز اول کشور مصمم شدند شاه جوان با تربیتی نوین، اصول کشورداری را با رویه و قواعد دموکراسی فرا گیرد. از این‌رو بنا به پیشنهاد مستوفی‌الممالک (وزیر دربار) کلاس ویژه‌ای را در ۱۳۲۷ق. در یکی از ساختمان‌های کاخ گلستان در نظر گرفتند و مزین‌الدوله با درجهٔ «امیر تومانی» به ریاست آن کلاس انتخاب شد. در این سمت از او به‌عنوان رجلی خوشنام یاد شده و عمل تأسیس این مدرسه را نخستین اقدام اساسی در بدو سلطنت احمدشاه دانسته‌اند (سپهر، ۱۳۶۲، ص۳۲). معلمان این کلاس که اغلب به پیشنهاد مزین‌الدوله به تدریس پرداختند، همگی از اشخاص سرشناس و در رشتهٔ خود استاد بودند. از جمله معلمان معروف که تحت ریاست مزین‌الدوله در این کلاس به شاه تعلیم می‌دادند می‌توان محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، کمال‌الملک، عمادالکتاب، دکتر کریم‌خان هدایت، امیرسهام‌الدین غفاری (ذکاءالدوله)، میرزا ابوالحسن‌خان گرانمایه و عباس‌میرزا سالارلشکرفرمانفرما را نام برد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸، ص۳۷ و ۳۸)[۳۴]. در این‌کلاس ۱۶ محصل درس می‌خواندند که احمدشاه، محمدحسن‌میرزا (ولیعهد)، اعتضادالسلطنه (برادر ناتنی احمدشاه) و نصرت‌السلطنه (عموی احمدشاه) جزو این عده بودند. دوازده شاگرد دیگر کلاس از بین فرزندان خانواده‌های سرشناس انتخاب شده بودند[۳۵]. این کلاس قریب پنج‌سال ادامه داشت تا آنکه احمدشاه رسماً به سلطنت رسید.

مزین‌الدوله کتابی شامل گفتار بزرگان به زبان فرانسه تألیف کرده بود و به‌منظور نصیحت احمدشاه، هر بار قسمت‌هایی از متن این کتاب را برای او قرائت می‌کرد (هرچند احمدشاه به مطالعهٔ رمان علاقهٔ بیشتری نشان می‌داده است)[۳۶]. در مقابل، شاه نیز او را در حضور محترمین، پدر دانشمند خود می‌نامید و احترام خاصی برای او قائل بود (آذری، ۱۳۴۲).

در ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق. مزین‌الدوله به ژنرال آجودانی دائمی شاه مفتخر شد (آذری، ۱۳۴۲) و در این‌سمت اغلب امرایی که درجهٔ امیر تومانی یا حتی سرداری داشتند و آجودان احمدشاه بودند، از جمله امیرموثق که افسر ارشد قزاقخانه و دانش‌آموختهٔ روسیه بود و چندی هم به وزارت جنگ منصوب گردید، تحت ریاست او بودند.

از اقدامات مفید مزین‌الدوله در این دوران که با قحطی تهران مصادف بود، راضی‌کردن احمدشاه به فروش غلهٔ اختصاصی خود بود تا ضمن ممانعت از تلف‌شدن بیشتر مردم گرسنه، از بدنامی شاه نیز جلوگیری به‌عمل آید. گفتنی است عده‌ای از درباریان و اطرافیان شاه به او توصیه کرده بودند در فروش غله عجله نکند تا قیمت نان فزونی یافته و از این طریق سود بیشتری عاید او شود. ازاین‌رو در نگاه برخی از مردم، احمدشاه مدتی به احمدعلاف معروف شده بود. مزین‌الدوله پس از اطلاع از موضوع، در حالی‌که نسبت به شاه متغیر شده و تحمل‌اش

به‌سر آمده بود، در سحرگاه یکی از روزها به اندرون شاه رفت و سرانجام موافقت او را برای فروش غله سلطنتی گرفت[۳۷].

اخلاق و رفتار مزین‌الدوله

او در صراحت، رک‌گویی و جدی‌بودن در حرفهٔ خود شهرت داشت. از اظهارنظر و مخالفت با آنچه به نظرش به زیان مملکت و شاه بود پرهیز نمی‌کرد. چنانچه قبلاً اشاره رفت در دوران ناصرالدین‌شاه، اغلب گرفتاری‌های مردم و مشکلات وقت را در نمایش‌های مختلف تئاتر می‌گنجاند تا شاه را متوجه آن‌ها کند. علاوه‌براین هرگاه عیب یا ایرادی در رفتار شاهزادگان مشاهده می‌کرد از نصیحت خودداری نمی‌نمود. در اینجا رونوشت یادداشتی را که در دوران احمدشاه به یکی از شاهزادگان نوشته و به او ایراد گرفته که چرا در قول خود نسبت به شخصی که موردِستم قرار گرفته، کوتاهی کرده است عیناً درج می‌کنیم. «والاحضرتا، از شما پوزش می‌طلبم که به عادت و رسم همیشگی خودم مکاتبه می‌کنم. شاهزاده هستید، تحصیلاتی دارید و شصت سال از عمرتان می‌گذرد؛ چنین شخصیتی هرگز نباید در گفتهٔ خود کوتاهی کند مخصوصاً که موضوع آن‌قدر سهل و ساده باشد. ارادتمند شما مزین»[۳۸].

در تدریس نیز سخت‌گیر بود و دقت بسیار داشت. ابوالحسن عمیدی‌نوری یکی از شاگردان او که بعدها از روزنامه‌نگاران مشهور شد در خاطرات خود می‌نویسد: «مرحوم مزین‌الدوله ... که در [سن] متجاوز از نود سالگی با آن ریش سفید و چشم‌های کم‌نور و سر و دست لرزان سرِکلاس می‌آمد، نفس از کسی درنمی‌آمد مخصوصاً اینکه وقتی به بچهٔ خیلی شیطانی برمی‌خورد او را می‌خواست و جلوی همهٔ شاگردها عصایش را بلند نموده به او می‌گفت: ... با این عصا، احمدشاهِ شما را تنبیه کردم، تو دیگر چه می‌گویی» (عمیدی‌نوری، ۱۳۸۱، ص۴۳).

با این وصف، نسبت به مردم عادی و عموم محصلان رئوف بود و از مستمندان حمایت می‌کرد و در قحطی تهران از خانهٔ خود برای فقرا نان می‌فرستاد. منزل او در خیابان شاه‌آباد سابق (جمهوری اسلامی کنونی) بود و در نقشهٔ قدیم تهران که خانه‌های رجال مشخص شده، دیده می‌شود. مقداری از اراضی خیابان مذکور و ضلع شمال‌شرقی میدان مخبرالدوله که بعدها به مغازه تبدیل شدند به او متعلق بود که پس از فوت او از سوی سپهبد احمد امیراحمدی از ورثه خریداری شد. هنوز کوچهٔ نقاشباشی (جنب ایستگاه مترو سعدی) به‌نام وی در آنجا وجود دارد که نشانی از منزل قدیم او می‌دهد.

او پس از تکمیل تحصیل و مراجعت از اروپا و فوت والدین، به زادگاه خود مراجعت نکرد و دهات موروثی را که در حوالی کاشان و نطنز بودند، وقف کرد و تا پایان عمر از املاک خویش اطلاع دقیقی نداشت و اصولاً نسبت به امور مالی بی‌توجه بود (مزین، ۱۳۶۳). در تهران

خیابان مزین‌الدوله به‌نام وی به یادگار مانده بود که بعداً به شهید کارگر تغییر نام یافت. مدرسهٔ مزین‌الدوله نیز که تا قبل از انقلاب یکی از چهار مدرسهٔ بزرگ پایتخت بود تخریب شد و اکنون به‌نام ولی‌عصر (عج) دائر است (معتضد، ۱۳۷۵، ص۸۶۷).

همکاری‌نکردن با دربار پهلوی

پس از برکناری احمدشاه در ۱۳۰۴خ. علی‌رغم تمایل رضاشاه به همکاری مزین‌الدوله با دربار و دو بار اعزام تیمورتاش (وزیر دربار) به منزل او به‌منظور قبول سرپرستی ولیعهد، از آن‌جهت که متجاوز از ۶۰ سال در دستگاه قاجاریه خدمت کرده بود، حاضر نشد در دوران پهلوی مسئولیتی را بپذیرد. لذا برای سرپرستی ولیعهد، علی‌اصغرخان نفیسی (مؤدب‌الدوله) را تعیین کردند که در دوران اقامت محمدرضا پهلوی در سوئیس همراه او بود (دست‌نوشته‌های منتشرنشدهٔ سرلشکر منصور مزین). با این وصف اسناد به‌جامانده از سال‌های نخست سلطنت پهلوی حاکی است مقامات رسمی و هیئت‌دولت در دورهٔ جدید نیز به پاس خدمات مستمر فرهنگی و شیخوخیت مزین‌الدوله برای او احترام ویژه‌ای قائل بوده و بخشی از حقوق مادی او را تا پایان عمرش پرداخت می‌کردند[۳۹].

نشان‌هایی‌که مزین‌الدوله دریافت کرد

مزین‌الدوله به‌دلیل خدمات و مأموریت‌هایی‌که از سوی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه به دربارهای ناپلئون سوم (پادشاه فرانسه)، فرانسوا ژوزف (پادشاه اتریش)، ویلهلم (امپراتور آلمان) و تزار روسیه مکلف شد، به اخذ نشان‌های مختلفی نائل شد که ارزنده‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نشان‌های ایرانی:

- نشان درجه یک شیر و خورشید و بته‌جقه درباری
- نشان درجه یک خارجه و حمایل سبز
- نشان درجه یک علمی

نشان‌های خارجی:

- نشان درجه یک عقاب از آلمان
- نشان درجه یک تاج لیاقت از آلمان
- نشان درجه یک فرانسوا ژوزف از اتریش
- نشان نظامی ستارهٔ فرانسوا ژوزف
- نشان درجه یک نظامی لئوپولد از بلژیک

– نشان درجه یک سنت استانیسلاس از روسیه[۴۰]
– نشان ممتاز لژیون دونور از فرانسه
– نشان درجه یک فرهنگ و علوم از فرانسه (مزین، ۱۳۶۳، ص۶۰۴)[۴۱].

درگذشت مزین‌الدوله

علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در ۲۳ آذر ۱۳۱۱خ./ ۱۹۳۲م. بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت و در مقبرهٔ خانوادگی خود در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. محمود هدایت ابیات زیر را به‌مناسبت فوت او سرود که بر سنگ مزار وی نوشته شده بود (مزین، ۱۳۶۳):

آسمانِ جلال و علم و هنر — کانِ فضل و کمال و فخر و تبار
علی‌اکبر مزین‌الدوله — زیبِ دربار دورهٔ قاجار
در طریقت سپهر سیر و سلوک — در حقیقت مظاهرالانوار
فکر و رای رزین او می‌بود — در همه عمر کاشف‌الاسرار
ای دریغا که این سپهر کمال — در دل خاک تیره یافت قرار
سزد ار مام دهر خون گرید — زین مصیبت الیالابد زنهار
سال عمرش رسید قرب نود — تا که شد سوی کعبه دلدار
بیست و سوم بد از مه آذر — سیصد و یازده ز بعد هزار

این آرامگاه نیز سال‌ها بعد به‌دلیل توسعهٔ صحن آرامگاه شیخ صدوق تخریب شد (قاصد نیوز، ۱۳۹۰).

فرزندان مزین‌الدوله

مرحوم علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در دوران زندگی خود، دو بار ازدواج کرد. از همسر اول صاحب یک پسر و سه دختر شد که به‌ترتیب سن نظام‌الدین (نظام‌الممالک)، عالیه، فرخنده و نیره نام داشتند.

در ۱۲۹۸ق. با طوبی‌خانم دخترعموی همسر اول که پدرش محمدعلی تهرانی از بازرگانان معتبر پایتخت بود، ازدواج کرد و ثمرهٔ این ازدواج، چهار پسر و چهار دختر به نام‌های زیر بود: توران، حسین، عذرا، فاطمه (فخر ایران)، آذردخت، منصور (امیرمنصور)، مظفر و ناصر[۴۲].

پی‌نوشت:

۱- اسناد، فرامین و به‌ویژه شجره‌نامهٔ این خانواده در دوران انقلاب مفقود شده و تاکنون اطلاعی از آن‌ها موجود نیست. ضمن آنکه سند شماره هشت نشان می‌دهد اولاً این اسناد وجود داشته و ثانیاً از نوع نوشته و روش مکاتبه برمی‌آید که اسناد مذکور مهم و قابلِ‌توجه بوده‌اند.

۲- به اعظم واقفی، سیدحسین (۱۳۸۴). میراث فرهنگی نطنز، ج۲، قسمت ۲، ص۱۲، مراجعه کنید. چنانچه می‌دانیم و در قباله ازدواج مزین‌الدوله نیز قید شده محمدحسین‌خان لقب میرزایی داشته که در آن دوران به اشخاص با سواد و اهل قلم اطلاق می‌شد.

۳- مرحوم دکتر محبوبی‌اردکانی با اقتباس از خاطرات ممتحن‌الدوله، به اشتباه علی‌اکبرخان را پسرعموی حسین نطنزی از خانه‌زادان میرزا هاشم‌خان [برادر کوچک‌تر فرخ‌خان] که بعد از او لقب امین‌الدوله گرفت، معرفی کرده است درحالی‌که اگر منظور معرفی مزین‌الدوله بود باید از پدر وی یاد می‌کرد نه پسرعموی او (تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران، ج۲، ص۲۸۹) و برخی از محققان دیگر هم با استناد به نوشته‌های اردکانی همین اشتباه را مرتکب شده و تکرار کرده‌اند. در ضمن ممتحن‌الدوله در ذکر تعداد دانش‌آموزانی که با او به ایران مراجعه کردند، فراموش کرده اسم پسرعموی حسین نطنزی را نیز که به‌نظر می‌رسد یکی از این شاگردان بوده در خاطرات خود بیاورد و به اشتباه از او یاد کرده درحالی‌که تاکنون در هیچ سندی دیده نشده که مزین‌الدوله را به هاشم‌خان منتسب و مربوط کنند. چنانچه دقت شود ممتحن‌الدوله تقریباً ۴۰ سال بعد از مراجعت به تهران، اقدام به نوشتن خاطرات خود کرده لذا کاستی‌ها و اشتباهاتی در یادداشت‌های او دیده می‌شود که موجب شده تا نویسندگان بعدی نیز به اشتباه بیفتند (به خاطرات ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۲، به‌کوشش حسینقلی‌خان شقاقی، تهران، انتشارات فردوس، فصل۳، ص۱۲۰، مراجعه کنید).

۴- ابوطالب معروف به فرخ‌خان امین‌الدوله (۱۲۳۰-۱۲۸۸ ق.) از رجال سیاسی عهد قاجار در اوایل جوانی از کاشان به تهران آمد و پیشخدمت خاصهٔ دربار فتحعلی‌شاه شد. وی در ۱۲۴۹ق. با درجهٔ سرهنگی همراه محمدمیرزا (فرزند عباس‌میرزا) به خراسان رفت. در ۱۲۵۲ق. حاکم گرگان، در ۱۲۵۳ق. مدت چهارماه حاکم اصفهان، در ۱۲۵۵ق. مدت هشت‌ماه حاکم گیلان بود. در ۱۲۷۲ق. به فرمان ناصرالدین‌شاه با سمت ایلچی (سفیر) کبیر، روانهٔ دربار ناپلئون سوم شد و ۱۰ سال در مأموریت سفارت بود. وی ضمن انعقاد عهدنامه پاریس در رجب ۱۲۷۳ق.، با وساطت ناپلئون میان ایران و انگلستان عهدنامه‌ای منعقد کرد. در ۱۲۷۵ق. به ایران بازگشت و در همان سال به پیشنهاد او ۴۲ محصل ایرانی برای تحصیل به فرانسه رفتند. در۱۲۷۶ق. عضو مجلس شورای دولتی و در ۱۲۸۰ق. وزیر داخله شد. در ۱۲۸۳ق. شغل وزارت حضور همایون با وی بود و در ذی‌الحجه ۱۲۸۳ با سمت وزیر دربار، همراه ناصرالدین‌شاه به خراسان رفت (برگرفته از مخزن‌الوقایع، سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله نوشته حسین‌بن عبدالله سرابی، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، اساطیر، ۱۳۷۳؛ مهدی صدری، دایرةالمعارف تشیع،

مدخل غفاری‌کاشانی، ج۱۲، ص۱۱۳).

۵- به مقالهٔ مجدالاسلام کرمانی با عنوان سفرنامهٔ کلات: فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ جلد۱؛ دانشگاه اصفهان مراجعه کنید. مجدالاسلام گرچه سند به‌خصوصی ارائه نداده اما همین اندازه که از میان ۴۲ دانش‌آموزِ همراه فرخ‌خان به اروپا، فقط از مزین‌الدوله اسم برده می‌توان نزدیکی میان پدر او با فرخ‌خان را برداشت کرد. گفتنی است در یادداشت‌های حسین‌بن عبدالله سرابی با عنوان مخزن‌الوقایع که در این سفر منشی فرخ‌خان امین‌الدوله بوده و وقایع سفر را نوشته، نام علی‌اکبرخان (شاید به‌دلیل خردسالی او) آورده نشده یا اینکه شاید مجدالاسلام کرمانی در این مورد اشتباه کرده باشد.

۶- به صدیق‌اعلم، عیسی (۱۳۳۶)، تاریخ فرهنگ ایران، دانشگاه تهران: مهر، ص۳۳۸، مراجعه کنید.

۷- Aleksander Borejko chodzko (متولد ۱۸۰۴م.- فوت۱۸۹۱م.) عضو انجمن شرق‌شناسی آکادمی روسیه وابسته به وزارت خارجه روسیه بود. از ۱۸۳۰ تا۱۸۴۴ مقارن با سال‌های سلطنت محمدشاه قاجار، کنسول روسیه در رشت بود و با زبان و ادب فارسی نیز آشنا شد. کتاب‌های سرزمین ایران؛ ترانه‌های محلی ساکنان کرانه‌های جنوبی دریای خزر؛ و نامه‌های گیلان که هر سه به فارسی ترجمه شده‌اند از اوست. از ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۵ در وزارت خارجه فرانسه بود و از ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۳ ریاست دپارتمان زبان و ادبیات اسلامی در کلژدوفرانس را به‌عهده داشت. وی عضو انجمن آسیایی سلطنتی انگلستان و ایرلند و نیز عضو انجمن زبان‌شناسی پاریس بود. منوچهر ستوده در کتاب از آستارا تا استارباد (انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) نام وی را خچکو ثبت کرده است.

۸- به وبگاه پوریا ناظمی. آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه pourianazemi.com مراجعه کنید.

۹- در جلد اول المآثر و الآثار از میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی به‌عنوان معلم ایرانی مدرسهٔ دارالفنون در رشته نقاشی و زبان فرانسه و نیز سرتیپ سیم نام برده شده (به اعتمادالسلطنه محمدحسن‌خان، المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین‌شاه، به‌کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۶۳، ص۴۰۳، مراجعه کنید؛ همچنین به اثر دیگر اعتمادالسلطنه با عنوان مطلع‌الشمس. تهران، انتشارات پیشگام، ۱۳۶۲. ج۱. در وقایع۱۳۰۱ق. ص۵۲ و نیز ج۳ (ص۴۱) مراجعه کنید. در ذکر وقایع ۱۳۰۳ق. اعتمادالسلطنه از علی‌اکبرخان به‌عنوان معلم نقاشی و زبان فرانسه دارالفنون یاد کرده است. برای اطلاع بیشتر در مورد مزین‌الدوله به حسین‌بن‌عبدالله سرابی، مخزن‌الوقایع، سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله؛ محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۸). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران، ج۱، انتشارات دانشگاه تهران؛ افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل‌التواریخ، به‌کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، ص۱۹۸؛ بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، تاریخ رجال ایران، زوار، ج۲، ص۴۲۶ و ج۳، ص۲۶۴؛ بخش تعلیقات مرآت‌القاسان، نوشته عبدالرحیم ضرابی (سهیل)، چاپ ایرج افشار، ۱۳۴۱. ایرانشهر، جلد۲، چاپخانهٔ دانشگاه، تهران، ۱۳۴۳ شمسی، ص۱۱۹۸ مراجعه کنید.

10- Ecole Des Beaux Arts

11- Jean Auguste Dominique Ingres(17801867_)

12- Saint Cyr

۱۳- گفتنی است مطابق یادداشت‌های ممتحن‌الدوله در مراجعت مزین‌الدوله و شش دانشجوی دیگر (از جمله مهندس‌الممالک و ممتحن‌الدوله) به ایران، چون پول این عده در بین راه تمام شده بود، اسلحهٔ همراه مزین‌الدوله را فروختند تا با پول آن بعضی احتیاجات خود را تأمین کنند (خاطرات ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۲، تهران: امیرکبیر، ص۱۱۷).

۱۴- همچنین به سند شماره یک پیوستی در انتهای مقاله مراجعه کنید.

۱۵- ابوالحسن‌خان نقاشباشی (صنیع‌الملک) در ۱۲۲۹ق. در کاشان زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی و آموختن هنر نقاشی در ۱۲۵۸ق. به دربار محمدشاه راه یافت و به خلق آثار نقاشی پرداخت. در ۱۲۶۲ق. به‌دستور محمدشاه به ایتالیا رفت و در موزه‌های رم و فلورانس به رونوشت‌برداری از آثار نقاشان آن دیار پرداخت. از جمله تابلوی رافائیل موسوم به مادونای فولین لو را کپی کرد و پس از چهار سال اقامت در ایتالیا و کسب فنون نقاشی اروپا به ایران بازگشت. در ۱۲۷۳ق. تالار نظامیه معروف به عمارت لقانطه را برای میرزا آقاخان نوری نقاشی کرد. در ۱۲۷۷ق. به فرمان ناصرالدین‌شاه انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه به او سپرده شد و نام آن را از شماره ۴۷۱ به روزنامه وقایع تغییر داد و نشان شیر و خورشید این روزنامه از کارهای نقاشی اوست. بعد از انتشار چند شماره، ناصرالدین‌شاه به او لقب نقاشباشی و صنیع‌الملکی را اعطاء کرد. ابوالحسن‌خان برای نخستین‌بار مکتب‌خانهٔ نقاشی را در ایران تأسیس کرد و علاوه‌برآن تابلوهای متعددی از ابنیهٔ کاخ گلستان و موضوعات دیگر کشید. اثر مهم دیگری‌که از او به یادگار مانده کتاب بزرگ مصور شش‌جلدی الف لیله و لیله است که در موزهٔ کاخ گلستان موجود است. او نقاشی مجلس‌های کتاب مذکور را در مدت هفت‌سال به پایان برد. قطع مجلدات مذکور رحلی و اندازهٔ آن ۳۰×۴۵ سانتیمتر است (به بدری آتابای، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانهٔ سلطنتی و کتاب هزار و یک شب، ج۲، تهران، بی‌نام، ۲۵۳۵، ص۱۳۹۲-۱۳۷۵ مراجعه کنید). صنیع‌الملک مقارن ۱۲۸۳ق. درگذشت (برگرفته از: مهدی صدری، ذیل مدخل غفاری‌کاشانی، دایره‌المعارف تشیع، ج۱۲، ص۱۱۲).

۱۶- در بعضی منابع مانند مجله آموزش و پرورش (سال ۲۴، ش۱) از او با نام کفتان یاد شده که درست نیست به‌ویژه که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در جلد دوم مرآت‌البلدان ص۴۸، نام و املای کنستان را جزو معلمان قدیم دارالفنون ذکر کرده است.

17- Percpective

۱۸- به کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۵)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، لندن، ج۱، ص۳۷۷ و مقاله محمدعلی دولتشاهی با عنوان میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، مجلهٔ اسپند، سال ۶، شمارهٔ ۲۶ مراجعه کنید.

۱۹- مراجعه کنید به: نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۹)، اطلاعات ماهانه، س۲، ش۵، ص۴۵ و ۴۶.

۲۰- مراجعه کنید به: مجلهٔ اسپند (سال ۶) و مجلهٔ میراث ایران (پاییز ۱۳۷۷) هر دو مجله در آمریکا منتشر

می‌شوند.

۲۱- مراجعه کنید به: روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله (۱۳۴۴)، امیرکبیر و دارالفنون، انتشارات دانشگاه تهران، ص۶۱.

۲۲- مراجعه کنید به: همچنین به صدری، مهدی، دایرةالمعارف تشیع، ج۱۲، ذیل مدخل غفاری کاشانی، ص۱۱۵ و ۱۱۶ .

۲۳- نمایشنامهٔ میزانتروپ (Misanthrope) اثر مولیر را میرزا حبیب اصفهانی از ادبای خوش‌ذوق و قریحهٔ قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ هجری با نام مردم گریز ترجمه کرد و به‌نظم درآورد. او ابتدا این نمایشنامه را در روزنامهٔ اختر و بعد به‌طور مستقل در ۱۲۸۶ق. در استانبول چاپ و منتشر کرد. مترجم به این اثر کسوت تازه‌ای پوشاند و اخلاق و حالات و صفات و اسامی اشخاص را تغییر داد و گاهی به‌جای عبارات فرانسوی، عباراتی هم‌سنگ آن‌ها از فارسی قرار داد (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۷)، از صبا تا نیما، ج۱، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص۳۷-۳۴۱ و ۳۹۵-۴۰۲).

۲۴- به موحد دیلمقانی خلیل، روشنفکران عصر قاجار، مجله امید، ش۲ (نوامبر و دسامبر ۱۹۸۷)؛ خاطرات دکتر محمدحسین ادیب؛ امیرکبیر و دارالفنون، جمع‌آوری قدرت‌الله روشنی‌زعفرانلو، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص۶۳ و ۶۴.

۲۵- در زمان فتحعلی‌شاه هیئت همراه سفیر روسیه در تبریز با موزیک نظامی نزد عباس‌میرزا رفت و پس از آن بود که او مایل شد موزیک نظام را در ایران تأسیس کند ولی این کار در آن زمان انجام نشد و در۱۲۷۳ق. مطابق ۱۲۳۵خ. به درخواست ناصرالدین‌شاه دو کارشناس موسیقی نظام به نام‌های بوسکه و رویون از سوی دولت فرانسه به ایران آمدند و دستهٔ موزیک نظامی به روش فرانسه را در ایران ایجاد کردند. دو سال بعد با بازگشت بوسکه به فرانسه و چندی بعد با فوت رویون در تهران (۱۲۸۴ق.) در این راه توفیقی حاصل نشد (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: جوادی، غلامرضا (۱۳۸۰)، موسیقی ایران از آغاز تا امروز، ج۱، تهران: نشر همشهری؛ درویشی، محمدرضا (۱۳۶۷ و ۱۳۶۸)، تأثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران، فصلنامه آهنگ، ش۲ و ۳).

۲۶- آلفرد ژان‌باتیست لومر A. Lemaire پیش از آمدن به ایران معاون هنگ اول گارد پرنده نظام فرانسه بود و وقتی به ایران آمد به دانشجویان بخش موسیقی دارالفنون آموزش داد و به موسیقی ایرانی هارمونی را معرفی کرد، قطعات زیادی با الهام از موسیقی ایرانی ساخت و برای ثبت موسیقی سنتی ایران کوشید. لومر از کتاب تئوری موسیقی نوشتهٔ مسیو کوهن برای تدریس محصلین استفاده می‌کرد که مزین‌الدوله این کتاب را به فارسی برگرداند و در ۱۳۰۱ق. در چاپخانه دارالفنون چاپ کرد. لومر در اسفند ۱۲۸۸ در تهران دیده از جهان فرو بست.

۲۷- مراجعه کنید به: آریان‌پور، امیراشرف (۱۳۹۳)، موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تهران: فرهنگستان هنر، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، ص۴۱.

28- Diamant

۲۹- مراجعه کنید به: صفایی ابراهیم، اسناد نو یافته، سند ۳۷، (۲۰۱۶۰۷۱۶_jpg۲۱۴۷۴۵) مراجعه کنید. همچنین به تصویر شماره ده و سیزده در پیوست مقاله مراجعه کنید.

30- Art Now

۳۱- مقبرهٔ کنونی حافظ در ۱۳۱۴خ. در زمانی که علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ بود از سوی آندره گُدار (هنرمند و معمار فرانسوی) طراحی و در ۱۳۱۷خ. ساخته شد. تا پیش از آن در محل ایوان جوار مقبرهٔ حافظ ۴ ستون از زمان کریمخان زند باقی بود و گُدار با حفظ این ستون‌ها و به نشانهٔ قرن بیستم، ۱۶ ستون دیگر به آن افزود.

۳۲- به عکس مقبرهٔ حافظ، تصویر شماره چهارده در تصاویر پیوستی، مراجعه کنید.

۳۳- به‌عنوان نمونه به شمارهٔ ۱۰۰ مجلهٔ Le Figaro مورخ ۱۰/۰۴/۱۹۰۵، ص۱ و شماره ۱۳۷۳۹ مجلهٔ Le Temp ص۳، مورخ ۱۷/۰۱/۱۸۹۹ مراجعه کنید.

۳۴- به تصویر شماره هجده معلمان این کلاس در تصویر پیوست مقاله مراجعه کنید.

۳۵- به تصویر شماره نوزده احمدشاه و همکلاسی‌ها در تصویر پیوست مقاله مراجعه کنید.

۳۶- یک برگ از کتاب مربوط به گفتار بزرگان به دستخط مزین‌الدوله در سند شماره سه آمده است.

۳۷- به مقالهٔ دکتر مهرداد مزین در ایران‌نامه، سال دوم، ص۶۰۳ مراجعه کنید.

۳۸- به نامهٔ مزین‌الدوله در سند شماره سه پیوست در انتهای مقاله مراجعه کنید.

۳۹- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: اسناد موجود در مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران در مورد پرداخت مساعده و انعامِ هیئت دولت به او در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۹ که از میان آن‌ها چند سند (اسناد شماره چهار، پنج، شش و هفت) انتخاب شده و در پایان مقاله درج شده است.

۴۰- فرمان این نشان در پیوست شماره دو درج شده است.

۴۱- اشخاص دیگری مانند آذری و اعظم‌واقفی نیز در نوشته‌ها و آثار خود به این نشان‌ها اشاره کرده‌اند.

۴۲- آقای سیدحسین اعظم واقفی در کتاب میراث‌فرهنگی نطنز، ج۲، بخش۲ نتیجهٔ ازدواج اول مزین‌الدوله را دو دختر ثبت کرده‌اند و نام یکی از دختران را ملیحه نوشته‌اند. همچنین حاصل ازدواج دوم وی را ۴ پسر و ۳ دختر ذکر کرده‌اند که در این دو مورد اشتباه شده است.

منابع:

- ابهری، حبیب‌الله (۱۳۴۴). *مجله هنر و مردم*، شهریور۱۳۴۴، ص۱۰.
- ادیب، محمدحسین (۱۳۵۴). *یادگارهایی از دارالفنون قدیم*، مندرج در کتاب امیرکبیر و دارالفنون، به‌کوشش قدرت‌الله روشنی‌زعفرانلو.
- آذری، علی (۱۳۴۲). میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی. *مجله پیام نوین*، سال پنجم، ص۷۵-۹۶.

– آغداشلو، آیدین (۱۳۹۴). *گفتارها و گفت‌وگوهای دیگر*. تهران: کتاب آبان.
– افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*. به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
– آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *کتاب ایران: تاریخ هنر*. تهران: الهدی.
– بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *شرح‌حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: زوار.
– *تاریخ فرهنگ ایران زمین*، تهران، چاپخانهٔ سازمان تربیت علم و تحقیقات تربیتی، ۱۳۴۲ش.
– *چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران*، چاپ فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۵۷، ص۱۵۲.
– حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۷۸). چند کلمه دربارهٔ نقاشی معاصر ایران. *مطالعات هنرهای تجسمی*، ش۷، ص۱۸۰–۱۹۱.
– خالقی، روح‌الله (۱۳۵۳). *سرگذشت موسیقی ایران*. ج(۱)، تهران: صفیعلیشاه.
– دست‌نوشته‌های منتشرنشدهٔ سرلشکر منصور مزین (فرزند مزین‌الدوله).
– روزنامه ایران، جمعه ۱۷رمضان ۱۲۸۸ق.
– *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور* (۱۳۷۴). به‌کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر.
– روزنامه دولت عّلیه ایران، شماره ۵۷۰، مورخ ۱۵ ذیحجه ۱۲۸۱ق، ص۷.
– سالنامهٔ دبیرستان علمیه، تهران، سال تحصیلی ۱۳۳۴و۱۳۳۵. ص۹۰.
– سالنامهٔ وزارت معارف، ۱۲۹۷شمسی، ص۶۹۶.
– سپهر، مورخ‌الدوله (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ*. تهران: ادیب.
– سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲). *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه*. تهران: بنیاد.
– شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۸). *سیمای احمدشاه قاجار*. تهران: نشر گفتار.
– عمیدی‌نوری، ابوالحسن (۱۳۸۱). *یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار (تحولات نیم قرن تاریخ معاصر ایران از نگاه ابولحسن عمیدی)*. ج۱، به‌کوشش مختار حدیدی و جلال فرهمند، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
– فرصت‌شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (فرصت‌الدوله) (۱۳۳۷). *دیوان فرصت*. به‌کوشش علی زرین‌قلم، تهران: کتابفروشی سیروس.
– قاصد نیوز، تخریب سنگ قبرهای تاریخی در ابن‌بابویه، ۱۴ آبان ۱۳۹۰، کد خبر: ۸۷۰۹.
– کریمی، بهمن (۱۳۷۷). *راهنمای آثار تاریخی شیراز*. تهران.
– محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۸). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران*. ج۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
– مزین، مهرداد (۱۳۶۳). پیشرفت فرهنگ و علوم در ایران، میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نقاشباشی. *فصلنامه ایران‌نامه*، ش۸، ص۵۹۵–۶۱۰.

- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من. ج (۱)*. ج۲، تهران: انتشارات زوار.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف فارسی مصاحب*. تهران: امیرکبیر.
- معتضد، خسرو (۱۳۷۵). *ناکامان کاخ سعدآباد*. ج(۲)، تهران: زرین.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۴۵). *تاریخ موسیقی نظامی در ایران*. تهران: انتشارات مجلهٔ هنر و مردم.
- نشریه شماره۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- نصیرفر، حبیب‌الله (۱۳۷۴). *سیمای هنرمندان ایران، سینما، تئاتر، موسیقی*. ج(۱)، تهران: صفیعلیشاه.
- نصیری‌مقدم، محمدنادر (۱۳۹۰). *سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ*. تهران: چاپخانهٔ مجلس.
- *یادنامهٔ کمال‌الملک* (۱۳۷۹). به‌کوشش علی دهباشی، تهران: نشر به‌دید.

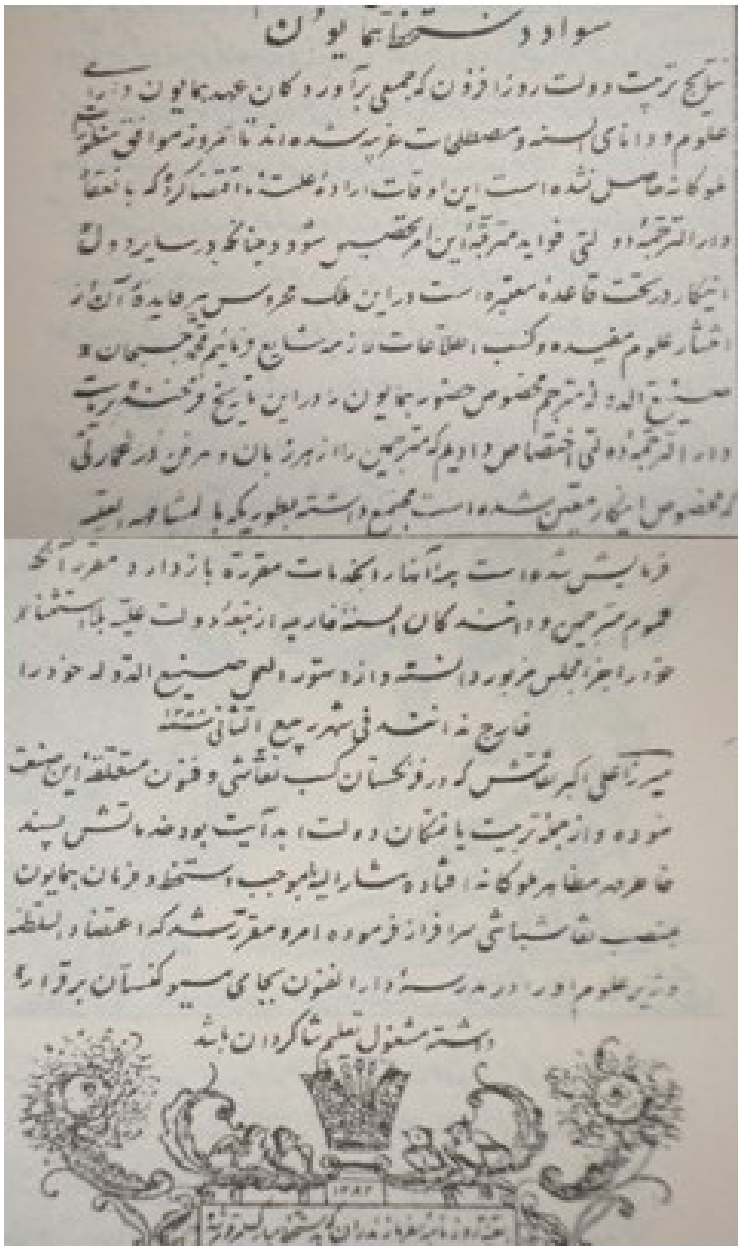

سواد دستخط همایون

نتایج تربیت دولت روز افزون که جمعی برآورد کان عهد همایون در
علوم و دانای السنه و مصطلحات مغربیه شده اند تا امروز موافق منظور
ملوکانه حاصل نشده است این اوقات اراده علیه اقتضا کرد که با انعقاد
دار الترجمه دولتی فواید مترتبه این امر تحصیل شود و چنانکه در سایر دول
اینکار در تحت قاعده معتبره است در این ملک محروس هم فایده آن از
انتشار علوم مفیده و کتب اطلاعات از مرشایع فرمایم قهرمان جهان
صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون را در این تاریخ فرخنده تربیت
دار الترجمه دولتی اختصاص دادیم که مترجمین را از هر زبان و هر فن در عمارتی
که مخصوص اینکار معین شده است مجتمع داشته بطوریکه با استشاره اعتماد
فرمایش شده است بدانها و بخدمات مقرره بازدارد و مقرر آنکه
علوم مترجمین و دانشمندان السنه خارجه از بنده دولت علیه بلا استثنا
خود را جزو مجلس مزبور دانسته و از دستور العمل صنیع الدوله خود را
خارج ندانند فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۲

میرزا علی اکبر نقاش که در فرنگستان کسب نقاشی و فنون متعلقه این صنعت
نموده و از جمله تربیت یافتگان دولت ابد آیت بوده مانش پسند
خاطر مظاهر ملوکانه افتاده بشار الیه بموجب دستخط و فرمان همایون
بمنصب نقاشباشی سرافراز فرموده امر و مقرر شد که اعتضاد السلطنه
وزیر علوم او را در مدرسه دار الفنون بجای مسیو کنستان برقرار
داشته مشغول تعلیم شاگردان باشد

سند شماره یک

رونوشت فرمان ناصرالدین‌شاه در مورد اعطای لقب نقاشباشی به علی‌اکبرخان [مزین‌الدوله] و انتصاب او به‌سمت معلمی دانش‌آموزان دارالفنون به‌جای مسیو کنستان

بخواست خداوند

نیکلای دویم امپراطور مقتدر کل روسیه و پادشاه لهستان و شاهزاده کیر فلاند و غیره و غیره

آقای ناظم کلاس اعلیحضرت پادشاه ایران

مزین الدوله

۱۹۱۴

محض بروز مرحمت مخصوص خودمان نسبت بشما بموجب حکم ۲۴ ژون

یک قطعه نشان مقدس استانیسلاس با نضمام حمایل مخصوص آن از درجه

اول موافق این فرمان ما حکم کردیم که از اداره نشان نزد شما فرستاده

زینت پیکر اعتبار خود نمائید

در سن پطرزبورغ مرحمت شد ۱۶ ژون ۱۹۱۴

رئیس کل نشانهای امپراطوری کل ممالک روسیه (ولادیمیر)

مدیر فرامین نشانها و رئیس خلوت دربار اعظم

سند شماره دو

اعطای نشان استانیسلاس به مزین‌الدوله از سوی نیکلای دوم امپراتور روسیه (۱۹۱۴م.)

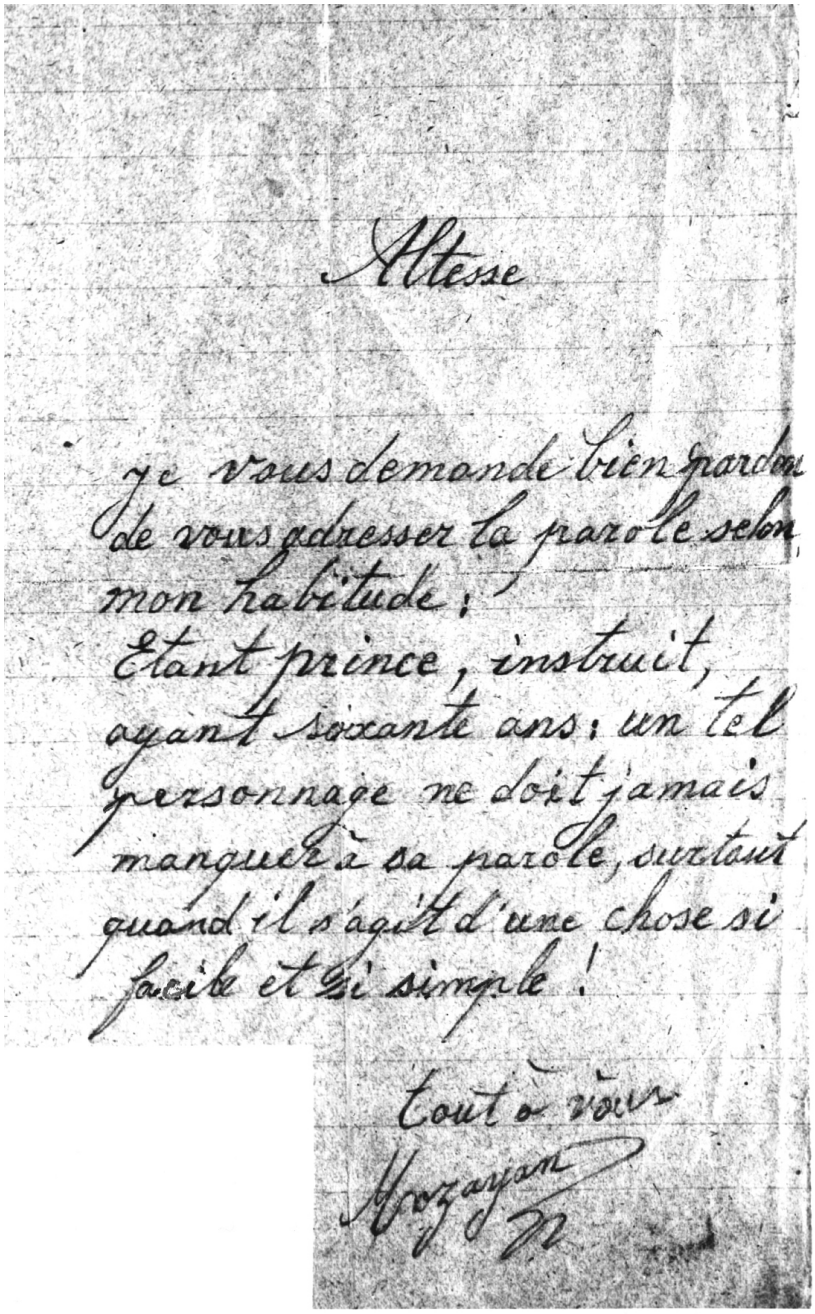

Altesse

Je vous demande bien pardon de vous adresser la parole selon mon habitude :
Etant prince, instruit, ayant soixante ans : un tel personnage ne doit jamais manquer à sa parole, surtout quand il s'agit d'une chose si facile et si simple !

Tout à vous
Mozayan

سند شماره سه

یادداشت نصیحت‌آمیز مزین‌الدوله (به زبان فرانسه) به یکی از شاهزادگان قاجار (به‌خط خودش)

میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی (مزین‌الدوله)

به تاریخ شهر ربیع‌الاول ۱۳۰۵ [ق] آنکه چون عالیجاه مجدت و نجدت همراه مقرب‌الخاقان میرزا علی‌اکبرخان سرتیپ و نقاشباشی در مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون در آموختن علم زبان فرانسه و صنعت به شاگردان نقاشی و رسیدگی به متعلمین موزیک کمال مراقبت و منتهای سعی و اهتمام را به‌عمل آورده خاطر بنده مظاهر همایونی را از خود خرسند و خوشنود داشته فرمودند محض بذل مراحم ملوکانه از هذه‌السنهٔ سیچقان ئیل مبلغ شصت و پنج تومان بر مواجب سابق مشارالیه افزودیم که [بعد از] وضع مرسوم دو [عشر] بدین‌موجب مواجب خود را اصلاً اضافه دریافت داشته [در هامش:] شرح متن به خط جناب جلالت‌مآب اجل امین‌السلطان محل این مواجب از بابت دو هزار تومان سالی استمراری مدرسه است که جناب مخبرالدوله معین کرده و مواجب داده شده

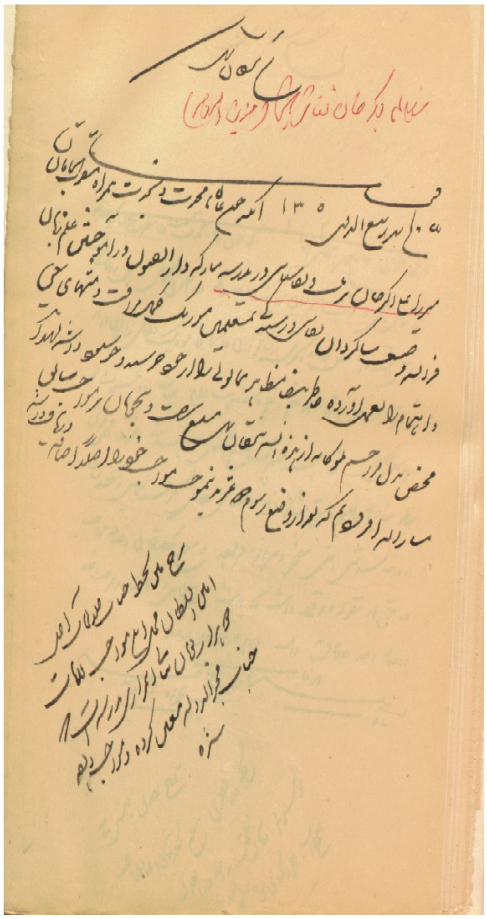

میرزا علی اکبرخان نقاش باشی (مزین الدوله) بتاریخ شهر ربیع‌الدوله سنه 1305 [ه.ق] آنکه چون عالیجاه مجدت و نجدت همراه مقرب الخاقان میرزا علی اکبر خان سرتیپ و نقاشباشی در مدرسه مبارکه دارالفنون در آموختن علم زبان فرانسه و صنعت شاگردان نقاشی و رسیدگی متعلمین موزیک کمال رأفت و منتهای سعی و اهتمام را بعمل آورده و خاطربنده مظاهر همایونی را از خود خرسند و خوشنود داشته که محض بذل و رحم ملوکانه از هذه السنه سیچقان نیل ... رحمت و سجوهان بر مواجب سابق مشارالیه امر فرمودیم که بعد از وضع رسوم دو عشر و نیم حسب مواجب خود را اصلاً اضافه دریافت داشته.

شرح متن بخط جناب جلالمآب اجل امین السلطان. محل این مواجب ... دو هزار تومان سالی استمراری مدرسه است که جناب مخبرالدوله معین کرده و مواجب داده شده.

سواد فرامین ناصرالدین شاه در خصوص برقراری مواجب واعطای منصب در سالهای 1305 و 1306 هجری قمری.
سند خطی موجود در کتابخانه و مرکز اسناد ملی ایران تحت شماره 36- 60، صفحه 23.

سند شماره چهار

سواد فرمان ناصرالدین‌شاه در مورد افزایش حقوق مزین‌الدوله در سال ۱۳۰۵ق. موجود در سازمان اسناد ملی ایران (شماره ۳۶ –۶۰، ص۲۳)

نمرهٔ عمومی ۱۲۵۹۴ ریاست وزراء تاریخ ثبت ۱۷ اسفندماه ۱۳۰۵

وزارت جلیلهٔ مالیه

به‌طوری‌که با نواب اشرف والا آقای وزیر مالیه در هیئت وزرا مذاکره به‌عمل آمد قرار شد از بابت وجه تصویب‌نامه انعام مقرره درباره آقای مزین‌الدوله عجالتاً یکصد و بیست و هشت تومان که از قسمت انعام اعتبار دولت محل موجود است به مشارالیه تأدیه شود تا بقیهٔ آن از اعتبار سال ۱۳۰۶ پرداخت گردد. قدغن خواهید فرمود ترتیب امور را در اسرع اوقات به موقع اجرا گذارند. امضاء

(شماره سند ۱۳ ـ ۱۲۵۹ ـ ۲ موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر

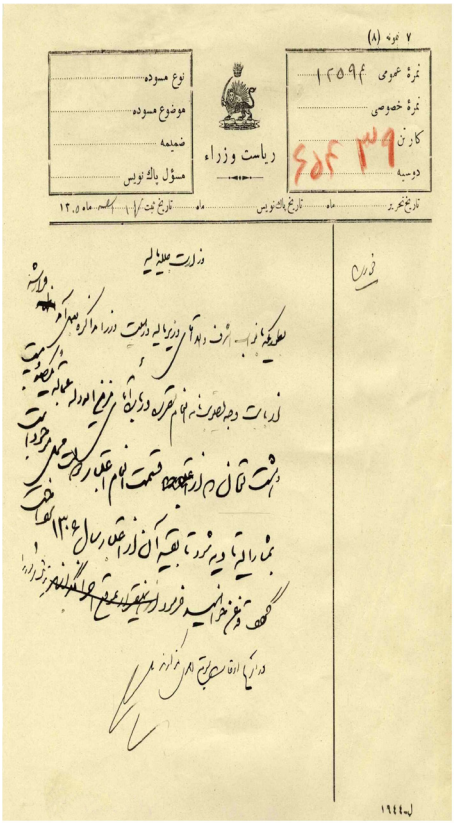
۷ نمره (۸)
نمرهٔ عمومی ۱۲۵۹۴
نمرهٔ خصوصی
کارتن
دوسیه
۶۵۴ ۳۹
ریاست وزراء
نوع مسوده
موضوع مسوده
ضمیمه
مسؤل بالك نویس
تاریخ تحریر ماه تاریخ بالك نویس ماه تاریخ ثبت ۱۷ ماه ۱۳۰۵
وزارت جلیلهٔ مالیه
فوری

نمره عمومی 12594
ریاست وزراء

تاریخ ثبت 17 اسفندماه 1305 [شمسی]

فوری

وزارت جلیله مالیه
بطوریکه نواب اشرف والا آقای وزیر مالیه در هیئت وزراء مذاکره بعمل آمد قرار شد از بابت وجه تصویبنامه انعام مقرره دربارهٔ آقای مزین الدوله عجالتاً یکصدو بیست و هشت تومان که از قسمت انعام [محل] اعتبار دولت[1] موجود است به مشارالیه تأدیه شود تا بقیه آن از اعتبار سال 1306 پرداخت گردد. قدغن خواهید فرمود ترتیب امور را در اسرع اوقات به موقع اجرا گذارند.

امضاء

1- در اصل سند «اعتبار دولت محل» آمده است.

این سند به شماره 13- 1259- 2 در مرکز اسناد تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

سند شماره پنج

دستور رئیس‌الوزراء (مستوفی‌الممالک) به وزیر مالیه مبنی‌بر پرداخت ۱۲۸ تومان انعام از محل اعتبار دولت به مزین‌الدوله

ریاست وزراء

جناب مستطاب اجل آقای حاج محتشم‌السلطنه وزیر مالیه

به‌طوری‌که البته مطلع شده‌اید تصویب‌نامه نمره ۹۸۸۱ دایر به پرداخت سیصدتومان انعام از محل اعتبار دولت به آقای مزین صادر شده است. چون مشارالیه شخصاً توانایی ندارند در تعقیب نامهٔ مزبوره به دوایر وزارت مالیه مراجعه نموده و به جریان بیندازند [و] لازم است زودتر وجه تصویب‌نامه فوق به ایشان برسد لهذا از جناب مستطاب‌عالی توقع دارم شخصاً مراقبت فرموده یکی از کارکنان وزارت مالیه را مأمور تعقیب این امر قرار بدهید که دنبال کار را گرفته در جریان اداری تصویب‌نامه تسریع و هرچه زودتر وجه آن را وصول و به ایشان بپردازد. از قرار معلوم نظر به ضیق اعتبار دولت [،] اداره کل محاسبات وزارت مالیه درصدد است صورتی از تصویب‌نامه‌های صادره ترتیب داده و نظر اینجانب را در تقدم و تأخر یا ضرورت پرداخت آن‌ها استعلام نماید [؛] اگر چه تا به حال صورت مزبور نرسیده لکن قبلاً تذکر می‌دهم که باید تأدیه وجه تصویب‌نامه فوق را مقدم به همه نموده در اجرای آن تسریع نمائید. امضاء

(شماره سند ۱۴ ـ ۱۲۵۹ ـ ۲ موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر)

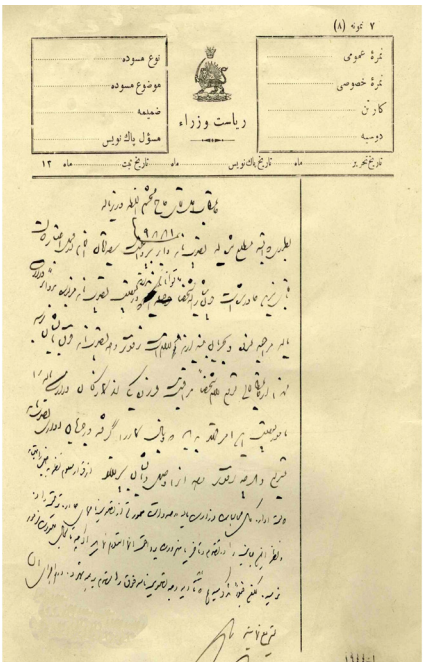

ریاست وزراء

تاریخ ثبت... ماه... 13

جناب مستطاب اجل آقای حاج محتشم‌السلطنه وزیر مالیه!

بطوری که باید مطلع شوید تصویبنامه دایر نمره 9881 پرداخت سیصد تومان انعام در محل اعتبار دولت به آقای مزین صادر شده است چون مشارالیه شخصاً حوصله توانائی نداشته است که در تعقیب تصویبنامه مزبوره به دوائر ادارات مالیه مراجعه نموده و به جریان بیندازند و مهم است زودتر وجه تصویبنامه فوق به ایشان برسد لهذا ارجاعات ملی موقع مهم شخصاً مراقبت ورزیده یکی از کارکنان وزارت مالیه را مأمور تعقیب این امر متعهد به این که پیلان کار را گرفته در جریان اداری تصویبنامه تسریع و هرچه زودتر وجه آنرا وصول به ایشان بپردازند.

از قرار مفهود نظر به خیلی اعتبار دولت اداره کل محاسبات وزارت مالیه در صدورات مهیور تا از تصویبنامه‌های صادره ترتیب داده و نظر این جانب را در تقدم و تأخر یا ضرورت پرداخت آنها استعلام نماید. اگرچه تا بحال صورت مزبور نرسیده، لکن قبلاً تذکر می‌دهم که باید تأدیه وجه تصویبنامه فوق را مقدم به همه شمرده در اجرای آن تسریع نمایند.

امضاء

1- این سند مربوط به دوره‌ی ششم قانون‌گذاری و کابینه دوم «حسن مستوفی» است که وزارت مالیه این کابینه که از تاریخ 24 شهریورماه 1305 شمسی تا 19 بهمن 1305 شمسی دوام داشت را «حسن اسفندیاری حاج محتشم‌السلطنه» بر عهده داشته است. سند مزبور نیز مربوط به همین تاریخ است.

این سند به شماره 14- 1259- 2 در مرکز اسناد تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

سند شماره شش

دستور رئیس‌الوزراء (مستوفی‌الممالک) به حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه) وزیر مالیه مبنی‌بر تسریع پرداخت ۳۰۰ تومان از محل اعتبارات دولت به مزین‌الدوله

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۵۷۸۹

تاریخ ارسالی ۲۰ اسد ۳۰۱[۱]　　وزارت جلیله مالیه

آقای مزین‌الدوله حقوقی جزو دربار و حقوقی جزو بودجه وزارت معارف دارند که به‌واسطه مرتب نرسیدن حقوق دربار و وزارت معارف پرداخت نشده است. چون مشارالیه محل معیشتی غیر از این حقوق ندارند و ملاحظه قدمت خدمت و شیخوخیت ایشان لازم است قدغن فرمائید مبلغ پانصد تومان به‌عنوان مساعده از حقوقات معوقه ایشان به فوریت پرداخته از بابت حقوق درباری یا معارفی کسر و محسوب دارید.

[در هامش:] برای آقای مزین‌الدوله فرستاده شود

سند شماره هفت

نامهٔ رسمی رئیس‌الوزرا (قوام‌السلطنه) به وزارت مالیه مبنی بر پرداخت فوری ۵۰۰ تومان مساعده به مزین‌الدوله از محل حقوق معوقهٔ او

(اصل سند در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر موجود است)

سواد احکام و فرامین و نوشتجات متعلق به حضرت مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی مزین‌الدوله

دامت شوکته‌العالی که نزد این بنده شرمنده به‌طور امانت بوده است تقدیم می‌گردد.

به تاریخ ۲۰ دی ۱۳۰۴ شمسی ـ مطابق ۲۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۳۴ قمری ـ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۶ مسیحی

[در هامش:] متعلق است به آقای مزین‌الدوله؛ باید برای ایشان ارسال شود.

[در هامش:] مدارک دریافت شد. امضاء Mozayen

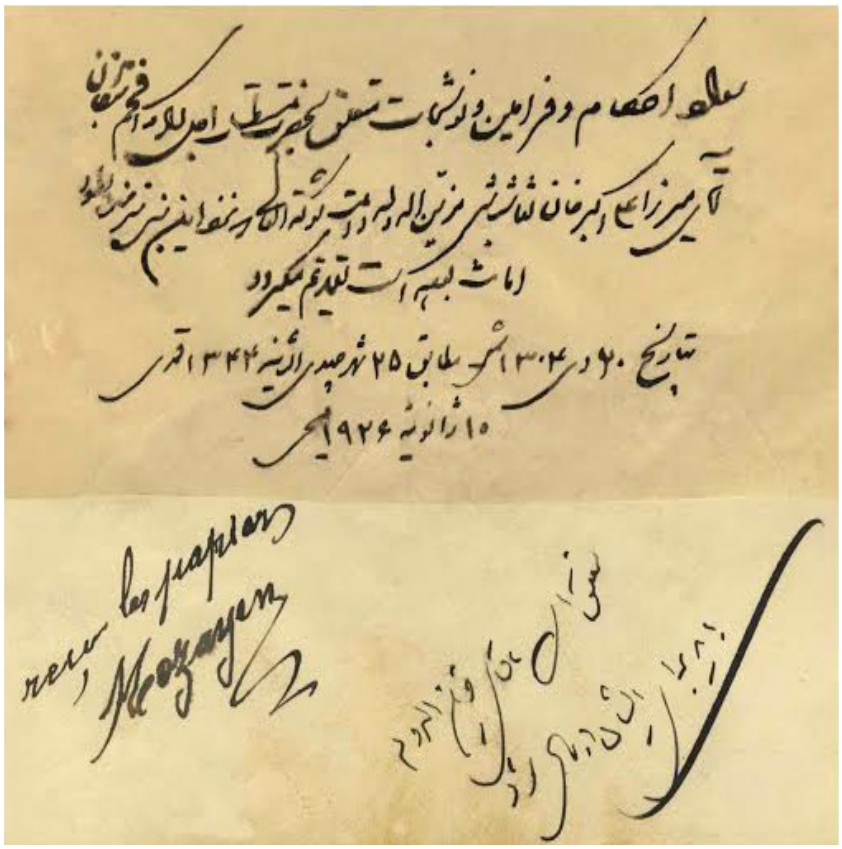

سند شماره هشت

سندی که نشان می‌دهد مزین‌الدوله تا اواخر دی‌ماه ۱۳۰۴ احکام، فرامین و مدارکی در اختیار داشته است.

(شماره سند ۱۰ ـ ۱۲۵۹ ـ ۲ موجود در مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران)

تصاویر

تصویر شماره یک

نمونه‌ای از نقاشی - اثر مزین‌الدوله

تصویر شماره دو

نمونه‌ای از نقاشی – اثر مزین‌الدوله

تصویر شماره سه

نمونه‌ای از نقاشی – اثر مزین‌الدوله

تصویر شماره چهار

نمونه‌ایی از نقاشی – اثر مزین‌الدوله

تصویر شماره پنج

تصویر نقاشی – ناصرالدین‌شاه اثر مزین‌الدوله (۱۳۱۲ق.)

تصویر شماره شش

تصویر نقاشی میرزا عبدالوهاب خواجه‌نوری – (نظام‌الملک) اثر علی‌اکبرخان مزین‌الدوله (۱۳۱۱ق.)

تصویر شماره هفت

تابلو نقاشی – مزین‌الدوله اثر خودش

تصویر شماره هشت

عکس مزین‌الدوله در نخستین سال‌های حضور در دربار ناصری

تصویر شماره نه

عکس مزین‌الدوله

تصویر شماره ده

این عکس با توجه به یادداشت زیر آن در آلمان گرفته شده که مزین‌الدوله در ۱۳۱۶ق. در مأموریت آلمان بود؛ در سمت چپ او اعلم‌الدوله ثقفی و در سمت راست او احتمالاً قائم‌مقام تبریزی قرار گرفته‌اند.

تصویر شماره یازده

مزین‌الدوله در کنار فرزند ارشدش نظام‌الممالک (پدرِ سرتیپ علی‌اصغر مزینی)

تصویر شماره دوازده

مزین‌الدوله در کنار دامادش (شوکت‌الممالک جلایر)؛ نفر ایستاده در پشت: حسین‌خان مزینی (فرزند دوم مزین‌الدوله)؛ اطفال ردیف جلو: ناظمه خانم (نوهٔ مزین‌الدوله)، منصور و مظفر (فرزندان مزین‌الدوله)

تصویر شماره سیزده

مزین‌الدوله و اعضای هیئت همراه در مأموریت آلمان (۱۳۱۶ق.)؛ نفر دوم از راست اعلم‌الدوله ثقفی و نفر آخر مزین‌الدوله در عکس دیده می‌شوند.

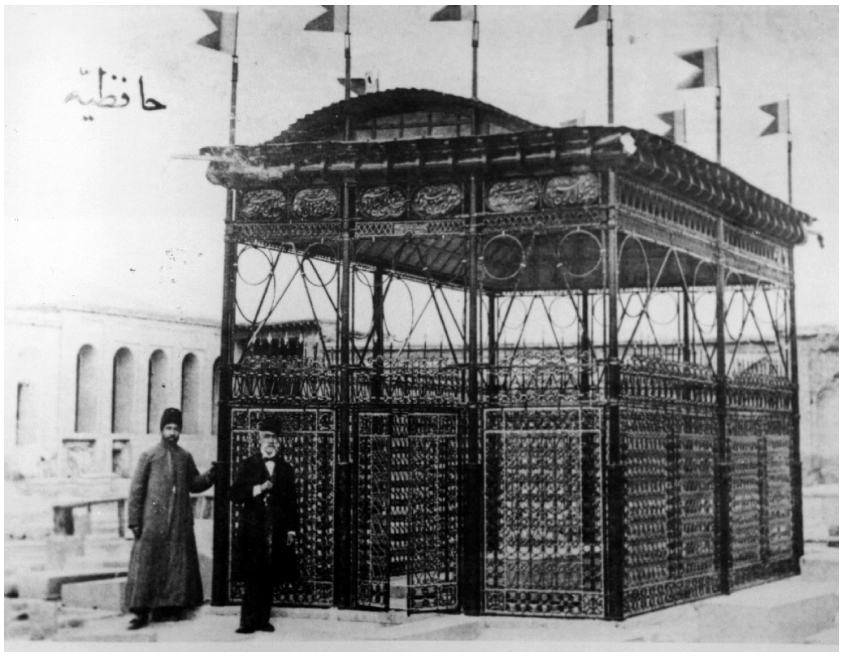

تصویر شماره چهارده

(آرامگاه حافظ [حافظیه] که در ۱۳۱۹ق. با دستور و طراحی مزین‌الدوله ساخته شد)

علی‌اکبرخان مزین‌الدوله و فرصت‌الدوله شیرازی

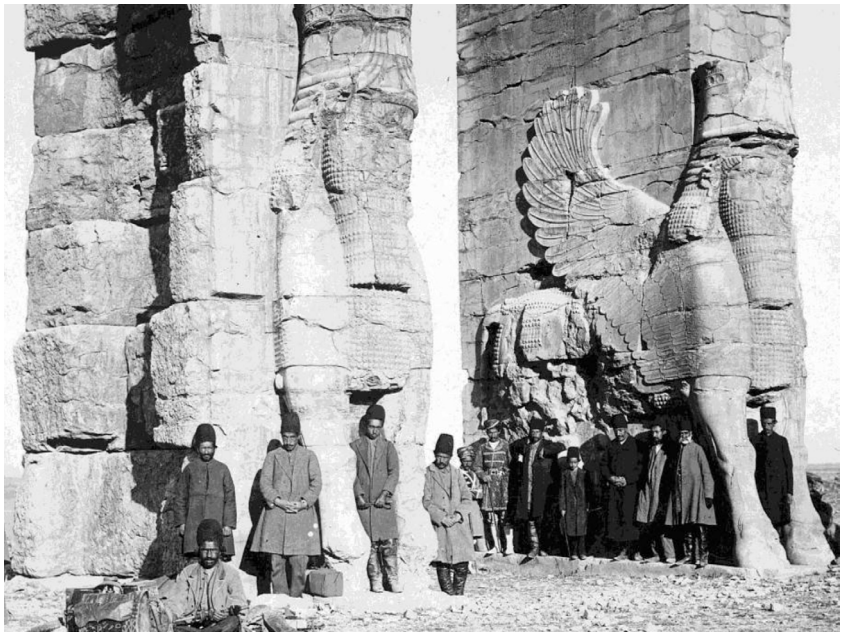

تصویر شماره پانزده

مزین‌الدوله و افراد همراه او در تخت‌جمشید

تصویر شماره شانزده

مزین‌الدوله و افراد همراه او در تخت‌جمشید

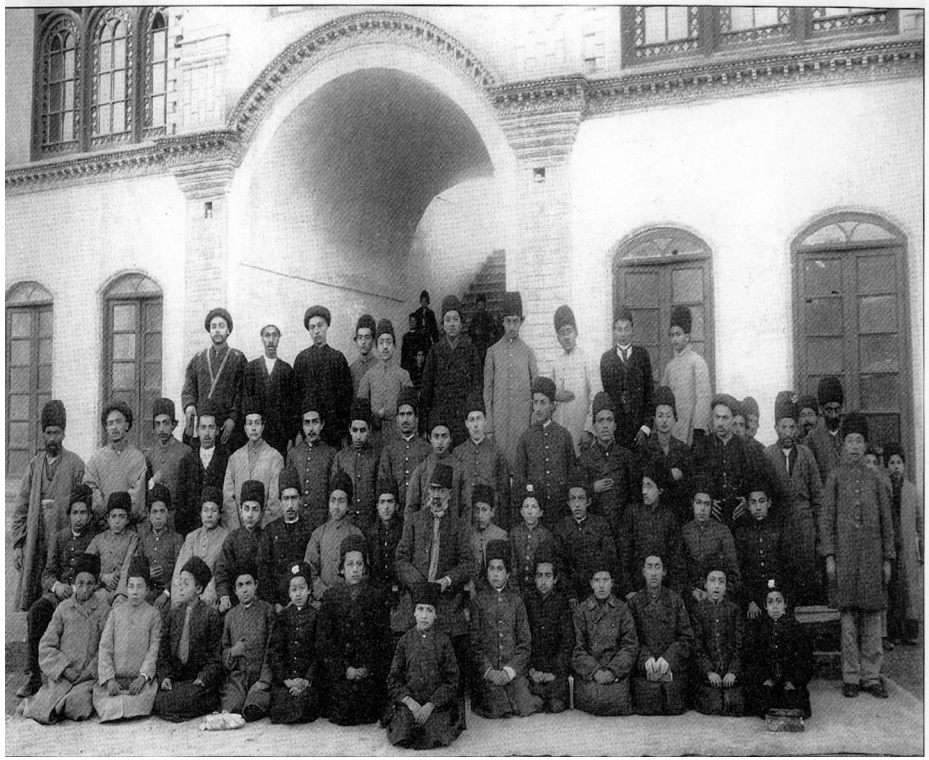

تصویر شماره هفده

علی‌اکبر خان مزین‌الدوله (مزین‌الدوله نقاشباشی) به اتفاق جمعی از محصلین مدرسه دارالفنون (۱۳۱۹ق.)

تصویر شماره هجده

احمدشاه و محمدحسن میرزا (ولیعهد) با معلمین کلاس مخصوص شاه در کاخ گلستان (۱۳۲۸ق.)

از راست: عمادالکتّاب (معلم خط)، حاجی ملاباشی (معلم دینی)، دکتر کریم‌خان هدایت (پسر نیرالملک اول) معلم حفظ‌الصحه، مزین‌الدوله (معلم زبان فرانسه و رئیس کلاس)، محمد غفاری کمال‌الملک (معلم نقاشی)، امیرسهام‌الدین غفاری ذکاءالدوله (پسر نظام‌الدین‌خان مهندس‌الممالک) معلم ریاضی و جغرافیا، میرزا ابوالحسن‌خان گرانمایه (پسر میرزا رضاخان مؤیدالسلطنه) و شاهزاده عباس‌میرزا سالارلشکر (پسر فرمانفرما) هر دو معلم تعلیمات نظامی، میرزا عباسقلی‌خان ممتازدیوان (برادر ممتازالدوله) معلم تعلیمات عمومی، محمدعلی فروغی (پسر ذکاءالملک اول) معلم تاریخ